



# انترناسیونال

## ۲۴۰

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۳۰ فروردین ۱۳۸۷، ۱۸ آپریل ۲۰۰۸

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی



حمید تقوایی

## جمهوری اسلامی باید در جهان منزوی شود!

یورش جمهوری اسلامی به چپ و به اعتراضات دانشجویی و کارگری در جامعه را باید با یک تعرض همه جانبه پاسخ گفت. سازماندهی این

صفحه ۲

## سخنی به بهانه انفجار در شیراز



کازم نیکخواه

این هفته انفجار در حسینیه ای در شیراز حداقل ۱۲ کشته و صدها مجروح به جای گذاشت. عامل این انفجار تا این لحظه مشخص نشده است و یا مشخص شده و به مردم معرفی نشده است. مسئولین رژیم موضعگیری های متناقضی نشان داده اند و عمدتاً سعی کرده اند آنرا غیرعمدی و ناشی از انفجار در نمایشگاه آثار جنگی در درون حسینیه! معرفی کنند. دو گروه ناشناس مذهبی و سلطنتی تاکنون مسئولیت این انفجار را بعهده گرفته اند که خود این نیز قابل تایید یا تکذیب نیست. اما صرفنظر از همه این اتهامات در مورد این انفجار آنچه قطعی است اینست که با این انفجار تعدادی قربانی شده اند و در شیراز و شهرهای دیگر در میان مردم نگرانی های بجایی را ایجاد کرده است. بویژه این انفجار در جایی صورت گرفته است که کانون تبلیغات اسلامی و تفرقه پراکنی و اشاعه خط ناپود کردن افراد منتسب به بهائیان بوده است. در شرایطی که انواع و اقسام تروریسم اسلامی و

قومی و ناسیونالیست در گوشه و کنار جهان و بویژه در عراق و افغانستان که همسایه دیوار به دیوار ایران هستند دارند هرروز از مردم بی دفاع قربانی میگیرند و کانون همه آنها در دستگاه توحش حاکم در ایران قرار دارد، روشن است که این انفجار را هم نمیتوان به این توحش ضد انسانی ای که در اول قرن بیست و یکم انسانیت را به مصاف طلبیده بی ربط اعلام کرد و از کنار آن گذشت.

### هوشیاری مردم مهم است

انفجار شیراز حداقل بهانه ای برای تاکید بر یک هشدار را بدست میدهد

صفحه ۸



شهیلا دانشفر

## اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار یک خواست مهم ما در اول مه امسال

با نزدیک شدن به اول مه، جنب و جوش برای برپایی این روز همبستگی جهانی کارگری بیشتر میشود. از یکطرف بحث بر سر

برپایی قدرتمند این روز در میان کارگران بالاست. از سوی دیگر رژیم نیز خود را برای یک تقابل آشکار با قدرتمندی کارگران آماده میکند. در

صفحه ۹

## ارتجاع شرق و غرب نمیشناسد، جهانی است

### پاپ در کاخ سفید

در حاشیه رویدادها

کیوان جاوید

صفحه ۴

## اول مه امید دنیاست! اعلامیه حزب کمونیست کارگری به مناسبت اول مه

صفحه ۱۰

## در صفحات دیگر

حمید تقوایی

جنبش سوسیالیستی ...

ناصر اصغری

گزارشی از اعتصاب کیان تایر

بهر روز کریمی زاده و مجید پور ماجد آزاد شدند

درگیری در کاخ سفید ... ناصر اصغری

یک مبارز برای زنانی که صدای خود را از دست داده اند

من این روز را هیچگاه از خاطر نخواهم برد

خاتمی جنایتکار است، باید دستگیر و محاکمه شود

گزارشی از اعتصاب کارگران پالایشگاه آبادان

اعتصاب در نیشکر هفت تپه

جمهوری اسلامی ایران باید منزوی و از  
مجامع بین المللی طرد گردد  
پیام کنفرانس دوم تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست  
کارگری ایران به مردم آزاده جهان

صفحه ۱۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ جمهوری اسلامی باید منزوی...

است.

امروز در جامعه ایران دو صف روشن تر و عریان تر از همیشه در مقابل هم قرار گرفته اند: صف انسانیت و آزادیخواهی و برابری طلبی که چپ کمونیسم کارگری آنرا نمایندگی میکند در برابر جمهوری اسلامی که نمایندگی کل کمپ ارتجاع راست را بعهده دارد. یورش اخیر حکومت در واقع نبرد مشخصی از این جنگ مداوم است. جنگی که از انقلاب ۵۷ بین راست و چپ، بین طبقه کارگر که کل مردم شریف جامعه را با خود دارد و طبقه سرمایه دار که ناگزیر شده است در برابر مبارزات مردم به حکومت اسلامی رضایت بدهد، آغاز شده است. میتوان و باید در این نبرد پیروز شد و نه تنها یورش و تهاجم جنایتکارانه رژیم را خنثی کرد بلکه کل حکومت و مدافعین آشکار و پنهان آنرا در اپوزیسیون و پوزیسیون به هزیمت انداخت. انزوی بین المللی جمهوری اسلامی یک هدف مشخص این نبرد است.

دفاع است، باید تعرض کرد. دفاع از زندانیان سیاسی و مبارزه برای آزادی فعالین جنبش دانشجویی و کارگری لازم و ضروری است اما کافی نیست. باید در یک جبهه اساسی تر و به شکل جامع تری به جنگ کل این حکومت رفت و او را به عقب راند. حتی پیشروی در عرصه های مشخص مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدام و سنگسار نیز در گرو این تعرض اساسی است. منزوی کردن بین المللی جمهوری اسلامی یک رکن مهم این تعرض در شرایط حاضر است.

زمینه های عینی این تعرض را از یکسو توحش و قساوت بی حد و حصر حکومت اسلامی علیه مردم و جنایتهای آشکارش علیه بشریت و از سوی دیگر مبارزات مردم - مشخصا اعتصابات بلاوقفه کارگران، مبارزات دانشجویی و مبارزه علیه تبعیض و ستم فاحشی که بر زنان روا میشود و جنبشهای اعتراضی برای آزادی زندانیان و علیه اعدام و سنگسار - فراهم کرده است. تا همینجا مردم دنیا، فعالین و پیشروانشان، یعنی اتحادیه های کارگری و دانشجویی و اکتیویستهای جنبش سکولاریستی و مدافع حقوق زن در این مقابله نقش فعالی ایفا کرده اند. هفته همبستگی با دانشجویان ایران در ماه فوریه و حرکت جهانی ۶ مارس در دفاع از فعالین کارگری دو نمونه موفق از این ایفای نقش بود. هدف مشخص طرد و محکوم کردن و برسمیت نشناختن جمهوری اسلامی میتواند این حرکت جهانی را در ابعاد وسیعتر و قدرتمند تری سازمان بدهد و به پیش برده. الگوی طرد و تحریم رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در اوایل دهه نود نمونه موفق از تشریک مساعی مردم جهان برای سرنگونی یک رژیم ضد بشری است. میتوان و باید جمهوری اسلامی را مانند رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی رسوای خاص و عام کرد.

### ارکان سیاست منزوی کردن بین المللی حکومت اسلامی

طرد بین المللی جمهوری اسلامی جزء مهمی از مبارزه برای سرنگونی این حکومت است. مردم ایران،

اکثریت عظیم یک جامعه هفتاد میلیونی، حکومت اسلامی را نمیخواهند و تا کنون به هزار زبان این خواست را اعلام کرده اند (شعار "حکومت اسلامی نمیخواهیم، نمیخواهیم" در تظاهرات آریا شهر آخرین مورد اعلام این خواست جامعه بود). جهانیان، مردم شریف و آزاده دنیا باید از این خواست با خبر شوند، باید این جنبش عظیم علیه حکومت اسلامی را بشناسند و مهمتر از آن باید در این جنبش شریک شوند.

راه و شیوه عملی این دخیل و شریک شدن بسیج و سازماندهی یک نبرد جهانی برای منزوی کردن جمهوری اسلامی است. طرد ایران به جهانیان است. کارگران و زنان و دانشجویان و اکثریت عظیم مردمی که سه دهه است با حکومت اسلامی دست و پنجه نرم میکنند به جهانیان اعلام میکنند که این حکومت را نمیخواهند؛ که حکومت اسلامی نه نماینده مردم بلکه قاتل آنان است؛ که جای مقامات این رژیم نه در پشت میزهای صدارت و وزارت بلکه پشت میز محاکمه است. پیام مردم ایران به جهانیان اینست که این حکومت را برسمیت نشناسید! حکومت اسلامی یک رژیم آپارتاید جنسی، یک حکومت ضد کارگر و ضد انسان است که رسماً و قانوناً یک توحش قرون وسطائی را به جامعه حاکم کرده است. این حکومت عار بشریت قرن بیست و یک است و باید از جانب بشریت متمردن جهان محکوم و طرد و منزوی شود.

رکن دیگر این فراخوان این واقعیت است که دامنه جنایات جمهوری اسلامی از ایران فراتر میروند. این حکومت ستون فقرات جنبش اسلام سیاسی است که مثل یک سگ هار افسارگسیخته و در خاورمیانه و کل کشورهای اسلامزده بجان مردم افتاده است. و امروز حتی در دل اروپا نیز بشریت و مدنیت از شر این جنبش مافوق ارتجاعی مصونیت ندارد. این جنبش ارتجاعی خود ساخته و پرداخته دولتهای غربی و از نیروهای دست ساز بورژوازی غرب است. دول غربی و مشخصا دولت آمریکا به این توحش اسلامی ابتدا در مقابل انقلاب ایران و بعد در برابر شوری در افغانستان شکل دادند و آنرا به سیاست کشاندند و سپس در دوره بعد

از جنگ سرد بعنوان دشمن شماره یک غرب علم اش کردند تا بتوانند سیاستهای میلیتاریستی جهانگشایانه خود را به پیش ببرند. امروز سایه سیاه جنگ تروریستها - مقابله تروریسم میلیتاریستی دولتهای غربی با تروریسم اسلامی - همه دنیا را در بر گرفته است. از یکسو در کشورهای خاورمیانه و کلا جوامع اسلامزده تمدن و مدنیت بوسیله دولتها و نیروهای اسلامی زیر پا له میشود و سیاست و قوانین و فرهنگ و اخلاقیات و راه و رسم زندگی به ماقبل قرون وسطا کشانده میشود و از سوی دیگر در خود غرب به بهانه مبارزه با تروریسم اسلامی آزادیهای مدنی و حقوق پایه ای چون آزادی بیان نفی و انکار میشود.

مبارزه مردم ایران راه برون رفت از این تبااهی و توحش را در برابر جهانیان قرار میدهد. فراخوان حمایت از مبارزات مردم ایران و فراخوان طرد و تحریم جمهوری اسلامی در خواست ابراز لطف از سر صفا نوعدوستی و حمایت از دیگران نیست. این راه دفاع از آزادی و مدنیت در خود غرب است. تنفر مردم آمریکا از دولت بوش و سیاستهایش در عراق اگر نخواهد در سطح ابرازخشم و یا حد اکثر یک رای انتخاباتی به احزابی که فرق ماهوی با بوش ندارند محدود بماند باید به یک جنبش تعرضی از زاویه انسان و انسانیت علیه ارتجاعی که غرب و شرق را در بر گرفته ترجمه شود و طرد و محکوم کردن جمهوری اسلامی در محور این نبرد جهانی قرار دارد. مار را باید از سرش کوبید. سرنگون کردن جمهوری اسلامی بساط نیروهای اسلامی - ضد غرب و متحد غرب هردو - را از خاورمیانه و کل جهان جمع خواهد کرد. و ضربه مهلکی به نئوکسنرواتیسم و میلیتاریسم دولت آمریکا و دول غربی متحد او وارد خواهد کرد. راه حل تروریسم اسلامی و جنگ و نا امنی که جهان را فرا گرفته و راه ممانعت از لگدمال شدن حقوق مدنی در خود جوامع غربی در دست بوش و دولتهای غربی نیست، در دست کمونیسم کارگری و جنبش اعتراضی عظیمی است که مدتهاست با شعار آزادی و برابری و انسانیت و سوسیالیسم در جامعه ایران جمهوری اسلامی را به مصاف طلبیده است. فراخوان ما به

مردم جهان فراخواندن آنان به دفاع از مدنیت و انسانیتی است که ریشه در خود تمدن غربی دارد. این مبارزه ای است در دفاع از سکولاریسم، در دفاع از جامعه مدنی و در دفاع از آزادی و برابری و انسانیتی که زمانی انقلاب کبیر فرانسه و کمون پاریس مظهر آن بود.

از این نقطه نظر توحش رژیم آپارتاید جنسی در ایران و مبارزات مردم علیه آن بسیار بیشتر و فراتر از مساله دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی یک امر جهانی است و مستقیم و غیر مستقیم به زندگی مردم در خود جوامع غربی مربوط است. از نظر تکنولوژی ارتباطات جهانی (اینترنت و ساتلایت و تسهیل ارتباطات تلفنی و نظایر آن) نیز امکان عملی سازمانداندن و دامن زدن به یک جنبش جهانی علیه جمهوری اسلامی کاملاً فراهم است. این امکانات جهانی را باید برای حل یک مساله جهانی بکار گرفت و طرد و انزوی جهانی جمهوری اسلامی را به یک واقعیت تبدیل کرد.

### انزوی رژیم چگونه عملی میشود؟

قدم اول در طرد و منزوی کردن جمهوری اسلامی بسیج افکار عمومی جهانیان، بویژه در جوامع غربی، علیه این حکومت است. این نقطه شروع است. باید افکار عمومی را با جنایات این حکومت و درجه توحش و خشونت غیر قابل تصویری که هر روزه در حق مردم ایران اعمال میکند آشنا کرد. از سوی دیگر باید جهانیان را در جریان مبارزات بلاوقفه مردم ایران قرار داد و نشان داد که جمهوری اسلامی، برخلاف آنچه رسانه های غربی و طرفداران ترنسبیت فرهنگی ادعا میکنند، حکومت در خور و مورد پذیرش مردم "مسلمان" ایران نیست، بلکه برعکس مورد تنفر مردم است. همچنین باید نشان داد که مردم ایران قربانیان آرام و بی آزار توحش اسلامی حاکم نیستند بلکه مدام در حال اعتراض و مبارزه با وضعیتی هستند که جمهوری اسلامی به آنان تحمیل کرده است. حزب ما باید بعنوان نماینده و سخنگوی مردم ایران و مبارزات و جنبشهای اعتراضی که در ایران در جریان است با جهانیان سخن بگوید و کیفر خواست مردم ایران علیه یکی از

## از صفحه ۲ جمهوری اسلامی باید منزوی...

وحشی ترین و ارتجاعی ترین حکومت‌هایی که تاریخ معاصر جهان بخود دیده است را به دنیا اعلام کند. اما کار ما از افشاگری و آگاه‌گری بسیار فراتر می‌رود. ما باید یک جنبش عملی و تعرضی علیه جمهوری اسلامی سازمان بدهیم و راه انجام این کار دست بردن به اهرم‌های اعتراضی است که در جوامع غربی - و کشورهای نظیر ژاپن و استرالیا و ترکیه که حزب در آنها حضور دارد - فی الحال وجود دارند. اکتیویست‌های سیاسی و اجتماعی، نیروها و احزاب سیاسی و نهادها و ان.جی.او.های مترقی و آزادیخواه، و تشکلهائی نظیر اتحادیه‌های کارگری و دانشجویی از جمله اهرمها و مکانیسم‌های به حرکت در آوردن جامعه هستند. باید به این نیروها رجوع کرد و آنها را حول مساله ایران فعال نمود. بسیاری از فعالین خود در گیر جنبش‌های هستند که مستقیم و یا غیر مستقیم به مساله جمهوری اسلامی مرتبط است. جنبش سکولاریستی، جنبش دفاع از حقوق زن، جنبش دفاع از حقوق همجنس‌گرایان و جنبش وسیع اعتراض به سیاست‌های میلیتاریستی دولت آمریکا و متحدینش در جوامع غربی از جمله این جنبش‌ها هستند که به سرعت میتوانند رابطه مبارزه با جمهوری اسلامی به امر خود را درک کنند، فعالانه از مبارزات مردم ایران حمایت کنند و جمهوری اسلامی را محکوم و طرد کنند.

اما صرف اتکا به فعالین و نهادها و تشکلهای موجود با همه اهمیت آن کافی نیست. یک وظیفه ما سازمان‌دادن کمیته‌ها و نهادهای مختلف در حمایت از مبارزات مردم ایران با شرکت فعالین در خود این کشورها است. میتوان و باید کمیته‌ها و نهادهائی در در دفاع از دانشجویان و کارگران زندانی، در همبستگی با مبارزات کارگری در ایران، و یا علیه سیاست‌های مشخص جمهوری اسلامی نظیر آپارتاید جنسی، اعدام کودکان، سنگسار، یا اعدام همجنس‌گرایان سازمان داد و به این ترتیب مساله ایران را در مرکز توجه مدام تشکلهای و جنبش‌ها و فعالین مترقی و آزادیخواه در کشورهای مختلف قرار داد.

و بالاخره یک جزء مهم سیاست منزوی کردن جمهوری

اسلامی وادار کردن دولتها و مراجع و سازمانهای بین المللی به تحریم سیاسی حکومت اسلامی است. بسیج افکار عمومی و فعالین و شخصیتها و تشکلهای سیاسی در کنار يك فعاليت پیگیرلابی ایستی میتواند به تحریم جمهوری اسلامی از جانب دولتها و نهادهائی نظیر سازمان ملل و سازمان جهانی کار منجر شود. ما باید خواست اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از نهادهای بین المللی و قطع روابط سیاسی دولتها با حکومت اسلامی و بستن سفارتخانه‌های آنرا مدام و بعنوان فراخوان مردم ایران به جهانیان اعلام کنیم. و از سوی دیگر برسمیت نشناختن جمهوری اسلامی و قطع روابط دیپلماتیک با آن باید به یک مطالبه همیشگی و به یک اهرم فشار تشکلهای و شخصیتها و جنبش‌های مترقی در کشورهای مختلف به دولت‌ها تبدیل شود. روشن است که هیچ دولت و یا نهاد رسمی بین المللی اگر بحال خود گذاشته شود سیاست طرد و قطع رابطه با جمهوری اسلامی را در پیش نخواهد گرفت اما سیر تاریخ را خواست دولتها تعیین نمیکند. در این مورد نیز مثل ده‌ها مورد دیگر میتوان و باید خواست مردم را به دولتها تحمیل کرد.

حاصل مجموعه این فعالیتها باید افشا و طرد جمهوری اسلامی در ابعادی باشد که هر نوع رابطه با این حکومت و مقامات آن برای دولتها و نهاد و شخصیت‌های سیاسی و حتی هنری و ورزشی در افکار عمومی جهانیان یک رسوائی تلقی شود. حکومت اسلامی یک نظام متعارف سرمایه داری و حتی یک دیکتاتوری متعارف نیست. همه دولتهای مرتجع و دیکتاتور باید افشا و رسوا شوند اما جمهوری اسلامی در توحش و جنایت گوی سبقت را حتی از ارتجاعی ترین حکومت‌های عصر ما رفته است. دفاع از این حکومت و حتی بیتفاوت بودن نسبت به آن برای هر کس که بوئی از انسانیت برده باشد ممکن نیست. این حکومتی است که رسماً و قانوناً زن را انسان بحساب نمی آورد، یک آپارتاید جنسی تمام عیار در جامعه برقرار کرده است، دست و پا قطع میکند و با وقاحت بهداشتی بودن شیوه مثله کردن اندام انسانها را به

رخ میکشد، همجنس‌گرایان را به پرتاب کردن از بلندی محکوم میکند، کودکان و نوجوانان را، بعد از آنکه در زندانها به "سن قانونی" رسیدند، اعدام میکند، سنگسار میکند و شلاق میزند و همه این جنایتها را نه در خفا بلکه علناً و رسماً و قانوناً انجام میدهد. این دولت نیست قاتل زنجیره ای مردم است و باید به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شود. آنکه انزجار و تنفر خود را از این حکومت اعلام نکرده است از این واقعیات خبر ندارد. باید مردم جهان را آگاه کرد، باید تصویر واقعی این توحش و جنایت را در مقابل چشم جهانیان قرار داد و از آنان خواست آنرا طرد و محکوم کنند. باید با تمام قدرت به دولتها و نهاد های جهانی فشار آورد تا جمهوری اسلامی را برسمت نشناسند اما شاخص تنها تحریم دیپلماتیک جمهوری اسلامی از جانب دولتها نیست، هدف ما رسوائی جمهوری اسلامی در افکار عمومی جهانیان و رسوائی هر دولت و نهادی است که این حکومت را برسمیت میشناسد.

### انزوای جمهوری اسلامی جزئی از استراتژی حزب برای سرنگونی حکومت

حزب ما به‌مراه اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی است. جنبش‌های اعتراضی که مدتهاست در جامعه جریان دارد زمینه و بستر یک جنبش عظیم انقلابی را فراهم می آورد که قادر است رژیم و نظام موجود را از ریشه براندازد و بجای آن یک جامعه آزادی و برابر و مرفه و انسانی، یک نظام سوسیالیستی را برقرار کند. سازماندهی و رهبری این جنبش و به پیروزی رساندن آن اساس استراتژی حزب ما را تشکیل میدهد.

از سوی دیگر مبارزه مردم ایران علیه حکومت یک بعد مهم جهانی دارد و حزب ما همواره پیشرو و مبتکر مبارزه در عرصه های مختلف در سطح بین المللی بوده است. از مبارزه برای حقوق پناهندگان تا کودکان مقدمند و از مبارزه علیه اعدام و سنگسار تا مبارزه با اسلام سیاسی و جنایات آن در خود جوامع غربی از جمله عرصه های فعالیت حزب در خارج کشور بوده است و در همه این زمینه‌ها پیشروی و موفقیت‌های برجسته‌ای نیز

داشته ایم.

سیاست طرد جهانی جمهوری اسلامی خط رابطی است که همه این فعالیتها را مانند حلقه‌هایی از یک زنجیر واحد به هم وصل میکند و به آنها صریحاً و مستقیماً یک معنا و مضمون سیاسی و استراتژیک میدهد. بی شک هر یک از این کمپینها و عرصه‌ها در خود ارزشمند هستند و موفقیت‌های قابل توجه‌ای هم داشته‌اند. نجات جان محکومین به اعدام و سنگسار، کمک به هزاران پناهنده برای فرار از جهنم جمهوری اسلامی و دفاع از حقوق شهروندی آنان در جوامعی که به آن پناهنده شده‌اند، و عقب راندن اسلام سیاسی - قوانین شریعه و قتل‌های ناموسی و حجاب کودکان - در جوامع غربی از جمله دستاوردهای ارزشمند این عرصه‌های فعالیت در خارج کشور است. اما همه این پیشرویها اگر معنی سیاسی پیدا نکند، یعنی اگر دست به ریشه این مسائل نبرد و به حزب و جنبش سیاسی که علت اصلی این مصائب یعنی جمهوری اسلامی را هدف خود قرار داده است مرتبط نشود، حد اکثر اقداماتی انساندوستانه باقی خواهد ماند. نمیتوان مساله اعدام و سنگسار و مهاجرت و پناهندگی را یک به یک حل و فصل کرد. برای نجات هفتاد میلیون انسان - و نه تعدادی معدودی از مردم - از جهنمی که در ایران برقرار است - و نه فقط از اعدام و سنگسار - باید جمهوری اسلامی را سرنگون کرد. روشن است که این هدف همیشه ناظر بر فعالیتها و کمپینها و سازمانهای نزدیک به حزب در عرصه‌ای مختلف بوده است اما اعلام هدف منزوی کردن جمهوری اسلامی در خارج کشور صریح و روشن این هدف را رو به فعالین این کمپینها و رو به جامعه اعلام میکند و مستقیماً و بلاواسطه جوهر و مضمون سیاسی همه این فعالیتها را در برابر چشم همگان قرار میدهد.

سیاست منزوی کردن بین المللی جمهوری اسلامی به این معنی است که از این پس در رجوع به اتحادیه‌های کارگری و دانشجویی و شخصیتها و نهادهای انساندوست و سکولار صرفاً به حمایت از مبارزات مردم ایران و یا محکوم کردن این یا آن سیاست جمهوری اسلامی بسنده نمیکنیم. بلکه از آنان میخواهیم که کل رژیم اسلامی را محکوم کنند و

از دولتها و نهاد های بین المللی بخواهند که روابط دیپلماتیکشان را با رژیم جانی حاکم در ایران قطع کنند. نکته مهم تر اینکه از این تشکلهای و فعالین میخواهیم که خود آستین بالا بزنند و در جنبش جهانی طرد جمهوری اسلامی درگیر و فعال شوند.

این جنبش جزئی از، و میتوان گفت شاخه بین المللی جنبش انقلابی مردم ایران علیه جانین حاکم و کل نظام اسلامی سرمایه در ایران است. اگر پشت جمهوری اسلامی در خارج کشور بخاک مالیده شود آنگاه تا سرنگونی کامل این حکومت بدست مردم ایران فاصله چندانی نخواهیم داشت.

با این همه سیاست و جنبش طرد جهانی جمهوری اسلامی تنها پاسخی به رژیم نیست بلکه یک تعرض از موضع چپ و کمونیسم کارگری به کلیه نیروهای کمپ راست از دولت آمریکا تا اپوزیسیون راست و چپی است که منکر جنبش سرنگونی و انقلابی مردم هستند.

در شرایط حاضر که آمریکا و دول غربی سیاست هویج و شلاق را در رابطه با جمهوری اسلامی در پیش گرفته‌اند، و در زیر سایه تهدید حمله نظامی مذاکره و سازش با حکومت را به پیش میبرند، افشا حکومت اسلامی از یک موضع انسانی و آزادیخواهانه و طرح خواست طرد و محکومیت آن پاسخ عملی هم به سازشکارها و هم به تهدیدات جنگی دول غربی است. اعلام این حقیقت است که هم هویج و هم شلاق دولتهای غربی تا کنون تنها جمهوری اسلامی و کلا جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی را تقویت کرده است و مردم به تنگ آمده از نیروهای اسلامی و سیاست‌های نئوکنسرواتیستی کیفر خواست مستقل خود را علیه جمهوری اسلامی و کلا جنبش اسلام سیاسی دارند و جنبش اعتراضی خود را علیه این دو قطب تروریستی سازمان میدهد و به پیش میبرند. جنبشی که تروریسم اسلامی را قبل از هر چیز از زوایه جنایاتش علیه جامعه‌ای که بر آن حاکم است افشا و محکوم میکند. دولت آمریکا و سیاست‌های میلیتاریستی و جنایتکارانه آن در خاورمیانه خود یک هدف و جزء لاینجزای این جنبش جهانی برای محکوم کردن جمهوری اسلامی

## در حاشیه رویدادها

کیوان جاوید



### ارتجاع شرق و غرب نمی شناسد، جهانی است

سایت فارسی بی بی سی با پخش یک خبر اعلام کرده است که: "هفته گذشته وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان با ارسال نامه ای به تعدادی از تلویزیونهای خصوصی این کشور، خواستار توقف پخش شماری از سریالها شد. دلیل این امر، پخش صحنه های خلاف اصول اسلامی و ارزشهای فرهنگی افغانستان بیان شده است."

برای کسانی که اوضاع افغانستان را دنبال می کنند پخش این خبر شاید زیادی لوکس باشد. حتی شاید در مقایسه با خبر هائی که هر روز از موقعیت انسان در افغانستان می شنویم این خبر بسیار لطیف و قابل اغماض بنظر برسد. آخر در جامعه ای که هر روز شاهد صحنه کشتار و فقر هستیم و محل تلاقی باندهای تروریست و آدمکش هست، بستن چند کانال تلویزیونی خصوصی برای چه کسی می تواند مهم باشد؟ چرا رادیو بی بی سی باید این خبر را همراه با رپرتاژ به چهار گوشه جهان مخابره کند؟ نکته مهم اظهار نظر "جناب بی بی سی" است. اگر فکر می کنید برای دولت

انگلیس و بخش فارسی رسانه خبری اش موقعیت انسان و حمله اوباش اسلامی به زندگی مردم حایز اهمیت است با ابراز نظر تهیه کننده این برنامه همه آرزوهایتان نقش بر آب می شود. رادیو بی بی سی مشکلی با قطع این سریالهای تلویزیونی ندارد. مشکل ایشان این است که: "با اینکه امنیت و پیشرفت نسبی در کابل برقرار شده است، این وضعیت اما مشکلائی هم بوجود آورده است، آزادی بیان در مقابل فرهنگ و سیاست قرار گرفته است."

بی بی سی حتی نمی تواند کتمان کند: "هرشب هزاران نفر از مردم افغانستان پای تلویزیونها داستانهای سریالهای هندی را دنبال می کنند." سریالهایی که به باور وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان بی بند و باری را ترویج می کنند. برای بی بی سی همین که وزیر فرهنگ و خیل مرتجعین اسلامی حاکم بر افغانستان اعلام می کنند چنین فیلم هائی نباید اجازه پخش داشته باشند، کافی است تا اعلام کند آزادی بیان برای مردم افغانستان مشکل آفرین شده است.

ارتجاع فقط اسلامی نیست، در پارلمان ها و مجالس اعیان و عوام

دو سوی این اردو اما لشگریان خود را مسلح می کند.

### پاپ در کاخ سفید

جورج بوش پاپ را به آمریکا برد تا این مقام الهی به ایشان بگوید: "خدا عشق است"، که "خدا آمریکا را حفظ کند" و پاپ به آمریکا رفت تا آقای بوش با عبارت "رحمت خدا بر شما باد" از ایشان استقبال کند. پاپ را با عظمت و شکوه فراوان به کاخ سفید بردند و برای او "تولدت مبارک" خواندند، چرا که همین روز تولد ۸۱ سالگی جناب پاپ اعظم بود. همه ماجرا به همین بی مابگی و اینچنین تهوع آور است.

اینجا لازم و ملازم هم اند. بوش به پاپ احتیاج دارد و پاپ به بوش. مذهب به سرمایه احتیاج دارد و سرمایه به مذهب. یکی می کشد و می سوزاند و زندگی را به تاراج می برد و فقر و گرسنگی را جهانی می کند و همان مردم آمریکا را از بیمه درمانی محرم می کند و بی خانمانی در "آمریکای افسانه ای" به عادی ترین پدیده زندگی مردم تبدیل می شود و دیگری دست محبت بر سر همین جنایتکاران می کشد و به گرسنگان وعده بهشت می دهد و به آرامش دعوت می کند تا مشترکا از نعماتی که از تباہ کردن انسان بدست می آید بهره مند شوند. پاپ یادش نمیروند که در این سفر باید: "حداکثر تلاش خود را به عمل آورد تا هیچگونه اشاره مستقیمی به

دول غربی هم به همان شدت نمایندگی می شود. همه میدانیم که تمام این مرتجعین و باند های مافیای اسلامی در همه جای دنیا، از ایران و افغانستان تا هر کجا که به فکر می رسد محصول دست پرورده سازمان سیا و دیگر دوایر اطلاعاتی یا محصول سیاستهای ارتجاعی دول غربی هستند. مشاهده سیاستهای این دولتها در همین کشورهای غربی نشان میدهد که تا چه اندازه پر و بال دادن به ارتجاع اسلامی سیاست استراتژیکشان است. تاسیس مدارس اسلامی و مذهبی و تدریس آن در مدارس یک گوشه از این همسوئی بنیادی شان با دخالت دادن مذهب در شئون جامعه است. قطعنامه دادن علیه آزادی بیان در سازمان ملل یک نمونه دیگر است.

وقتی تونی بلر کاتولیک می شود و بوش هر شب با راز و نیاز کردن با خدا به خواب می رود، دارند همین را می گویند که برای کنترل کردن مردم چه در غرب و چه در شرق مذهب باید در میدان باشد. باید علیه بی خدائی و سکولاریسم شمشیر از رو ببنندند تا اموراتشان بگذرد. می دانند سکولار و بی خدای امروز دیگر طرفدار ولتر و کانت و رویسپیرنسی شود. می دانند سکولار امروز به انقلاب کبیر فرانسه بر نمی گردد، بلکه مجبور است برای رهائی، کمون پاریس و انقلاب اکتبر را الگو بگیرد. جنگ بعدی جهان بین سوسیالیسم و سرمایه داری است، هر

مسئله جنگ عراق صورت نگیرد". و آقای رئیس جمهور هم البته قرار نیست "رسوایی سال های اخیر کلیسای کاتولیک آمریکا که درگیر چندین رسوایی مربوط به آزار جنسی کودکان توسط روحانیون بوده و این کلیسا برای حل این ماجراها تا کنون حدود دو میلیارد دلار غرامت پرداخت کرده است" را به رخ این مقام خدایی بکشد.

نظام طبقاتی و ضد انسانی سرمایه برای سرپا ماندن فقط نمی تواند با نیروی قهریه و سرکوب وضع موجود را حفظ کند. ابزارهای کارتری لازم است تا انسان با فلاکتی که گرفتار آن است خوب بگیرد. مذهب آنجا که مستقیما دستش از آدمکشی کوتاه شده باشد آه انسان در تنگنا قرار گرفته است. آنجا که در قدرت است تجسم عملی جهنم بر روی زمین.

دنیای امروز محل تلاقی دو سوی جنگ تروریستها است. تروریسم دولتی در غرب با بوش ها، کشیشان و پاپ هایش و تروریسم اسلامی با آیت الله ها و خلیفه ها و سلاطینش. اما در نهایت این دو اجزاء یک جبهه اند. جبهه ای علیه بشریت متمن، علیه شادی و سعادت بشریت. هر دو سوی این جبهه پاسدار و حافظ نظامی هستند که قربانیانش مردم اند. طبقه حاکم با همه ابزارهایش به میدان آمده است. رنسانس بعدی بشریت اگر به پیروزی برسد یک رنسانس سوسیالیستی خواهد بود.

### از صفحه ۳ جمهوری اسلامی باید منزوی...

جنبش انقلابی مردم ایران در مقابل کل کمپ راست با هدف سرنگونی حکومت و فراخواندن مردم جهان به شرکت در این جنبش است.

این نبردی است جهانی بین کمونیسم کارگری به نمایندگی از جهان متمدن با جمهوری اسلامی و کل کمپ ارتجاع راست. پیشبرد این سیاست گام تعیین کننده ای در جهت پیشروی و پیروزی جنبش انقلابی مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی، رسیدن به یک جامعه آزاد و برابر و مرفه سوسیالیستی در ایران و تقویت جبهه انسانیت و آزادیخواهی سوسیالیستی در کل جهان خواهد بود. \*



یک دنیای بهتر

برنامه حزب

را بخوانید

و در سطح وسیع

توزیع کنید

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد

جمهوری سوسیالیستی!

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)  
سایت روزنه: [www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)  
نشریه انترناسیونال: [www.anternasional.com](http://www.anternasional.com)  
سایت کانال جدید: [www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: [markazi.wpi@gmail.com](mailto:markazi.wpi@gmail.com)

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

دفتر مرکزی حزب  
Tel: 0046-739318404  
Fax: 0046-8 6489716  
[markazi.wpi@gmail.com](mailto:markazi.wpi@gmail.com)

مسئولیت صفحه بندی انترناسیونال

به عهده آرش ناصری است.

## از میان سؤالات جلسات هفتگی حمید تقوایی

جنبش سوسیالیستی،  
جنبش سرنگونی  
و مساله رهبری

این مطلب را ناصر احمدی پیاده و تایپ کرده است.

**رویا بحرینی:** حمید جان من از شما دوتا سوال داشتم. سوال اولم این است که کسانی معتقدند که حتی اگر یک جنبش مطالبات سوسیالیستی هم داشته باشد ولی تا زمانی که رهبری نداشته باشد فقط جنبش سرنگونی معنی میدهد. میخواستم نظر شما را بدانم که آیا واقعا به این شکل است و یا اینکه طوری دیگری باید دید؟ سوال دوم هم اینست که اساسا و اصولا جنبش سوسیالیستی و جنبش سرنگونی روی چه فاکتورهایی از هم تمییز داده میشوند و مشخص میگردند؟

در یک بحثی اینرا تحت عنوان پارادایم سیاسی مطرح کردم. سوسیالیستها باید به پارادایم و یا فرهنگ اعتراضی در جامعه شکل بدهند و رنگ خودشان را به جنبشهای اعتراضی بزنند. این اساس اعمال رهبری سوسیالیستی است.

ببینید در دوره های گذشته در سطح دنیا پارادایمهای اعتراضی معینی داشته ایم. فرض کنید در دوره ای که جنبش هیپیسیم و یا در دوره ای که اعتراض به جنگ علیه ویتنام (دهه ۶۰ میلادی) در دنیا و مشخصا در کشورهای صنعتی و غرب رواج داشت، این پارادایم چه وجود داشت. همان هیپی هایی که صلح و گل و عشق سمبل آنها بود، در ضمن کتاب سرخ مائو هم در جیبشان بود و چه گوارا هم قهرمانشان بود. این که این سمبلها چقدر به سوسیالیسم واقعی مربوط بودند اینجا مورد بحث من نیست. مهم اینست که بالاخره سمبلهای چه در آن دوره آنها بودند و یک جنبش اعتراضی وسیعی در میان جوانان در غرب خود را با این سمبلها تداعی میکرد. جنبشی که خودش را چه میدانست و خواهان برابری بود و علیه تبعیض بود و علیه جنگ و علیه سلاحهای اتمی بود. ترانه "ایمجین" جان لئون بخوبی آرمانهای این جنبش را منعکس میکند. این جنبش بیانگر نفوذ افق سوسیالیستی در جوامع غربی در آن دوره بود.

امروز در جامعه ایران هم شاهد این نفوذ افق سوسیالیستی هستیم. فکر میکنم برای هر کس بخواهد منصف باشد این روشن است اگر حزب کمونیست کارگری نبود این سطح از بروزات اعتراضات سوسیالیستی در جامعه وجود نمیداشت. این نشاندهنده سطح معینی از تاملین رهبری سوسیالیستی در جامعه است. درست است که باید عمیقتر و

وسعتر پیش رفت و همانطوری که گفتیم معنی عملی و روزمره رهبری کرد ولی برای اینکه بتوانیم این رهبری را انجام دهیم باید اول شما سوسیالیسم را در یک سطح اجتماعی مطرح کرده باشید و آنرا به افق و آرمان بخش قابل توجهی از فعالین و اکتیویستهای جنبشهای اعتراضی تبدیل کرده باشید.

جامعه ای که در تجمعاتش سرود انترناسیونال میخوانند و یا با شعار "سوسیالیسم یا بربریت" اعتراض میکنند و تازه بعد از سرکوبها شعار میدهند "آزادی برابری هويت انسانی"، در این جامعه تا حد زیادی نفوذ اجتماعی و سیاسی چه و نقد سوسیالیستی به وضع موجود رواج یافته است و گرنه این شعارها از آسمان نازل نمیشود و تصادفی و خودبخودی مطرح نمیشود. این واقعیت را باید دید و به رسمیت شناخت تا اینکه بتوانیم قدم بعدی را برداریم و برای اینکه برویم و سازمان بدهیم و بطور مشخص نیروی سازمانده جنبش اعتراضی باشیم.

نکته دیگر اینکه رهبری اجتماعی و مطرح شدن سوسیالیسم و افق سوسیالیسم در یک سطح اجتماعی بر جنبشهای جاری و مطالبات و مضمون آنها تاثیر میگذارد و در اینجا هم حزب نقش اساسی ای ایفا میکند.

آن شعارها و مطالبات انسانی و سوسیالیستی که ما هر روز در جنبشهای جاری میبینیم بنظر تاثیر اجتماعی وسیع ولی غیر مستقیم فعالیتهای حزب ما در سطح جامعه است. این لبیک و پاسخ مثبت جنبش علیه اعدام، جنبش برابری زن و مرد، جنبش علیه حجاب، جنبش دفاع از حقوق کودک - از همان نمونه ای که در جشن آدم برقی ها در شهرهای کردستان شروع شد و بعد به یک حرکت سراسری تبدیل شد - به چه جامعه است. این ها جواب مثبتی هستند که جامعه به سیاستهای انسانی و به سیاستهای سوسیالیستی داده که حزب ما مطرح و تبلیغ میکند و برای تحقق اش مبارزه و فعالیت میکند. بدون ابتکار حزب ما برای تشکیل نهاد اول کودکان و کودکان مقدمند، من مطمئنم که جنبش دفاع از حقوق کودک هم در چنین سطحی صورت نمیگرفت و روز جهانی کودک هم لااقل در این سطح گسترده و با مضمون رادیکالی که اکنون دارد

جشن گرفته نمیشد. بدون مبارزه پیگیری که حزب ما علیه اعدام کرد آنوقت حرکت سال گذشته در مبارزه علیه کل مجازات اعدام - و نه فقط احکام اعدام - آنها به ابتکار خود زندانیان سیاسی شکل نمیگرفت.

علت شکل گیری و بروز این نوع اعتراضات و جنبشهای اعتراضی اینست که در یک سطح وسیع و ماکرو حزب تا حد زیادی توانسته پرچم سوسیالیسم را در جامعه بلند کند. شعارهای سوسیالیستی مثل شعار "سوسیالیسم یا بربریت" و یا شعار "سوسیالیسم یا خیز برای رفع تبعیض" مستقیما از حزب صادر نشده - قبل از اینکه این شعارها را در جامعه مطرح کنند حزب حتی در ادبیاتش هم آنها را نداشت - ولی در عین حال این خواستها و شعارها بطور خود بخودی و از آسمان نازل نشده اند. اینها بزوات معین و غیر قابل انکار قدرت و نفوذ اعتراض و نقد سوسیالیستی به وضعیت موجود در جامعه است.

این رابطه بین جنبشهای اعتراضی و نفوذ اجتماعی سیاستهای سوسیالیستی آن مکانیسم اجتماعی است که در بحث اساسی "حزب و جامعه" منصور حکمت توضیح داده شده و اینجا دقیقا عملکردش را میبینیم. بنابراین کسانی که اینطور ارزیابی میکنند که وقتی رهبری مستقیم حزب در جنبش سوسیالیستی نباشد نمیشود به آن جنبش سوسیالیستی گفت، میتوانم بگویم که یا بحث حزب و جامعه را از پایه نفهمیده اند و نگرفته اند و یا در حال امرشان نبوده و نیست. من یکبار دیگر دوستان را رجوع میدهم به مطالعه بحث حزب و جامعه و همچنین به بحثهایی که در کنگره اخیر ما و در پلنوم ۲۹ در مورد جنبش سوسیالیستی و در مورد جنبش سرنگونی در ایران داشته ایم.

در رابطه با بخش دوم سؤالتان در مورد جنبش سرنگونی باید بگویم که بطور مشخص در شرایط امروز جامعه ایران جنبش سرنگونی رابطه مستقیمی با نفوذ و قدرت چه و یا پارادایم چه در جامعه دارد. این نوع نظرات که "بدون رهبری سوسیالیستی در یک جنبش، حتی اگر مضمون سوسیالیستی هم داشته باشد، باید به آن جنبش سرنگونی گفت و نه سوسیالیستی" علاوه بر اینکه درک درستی از مقوله رهبری

سوسیالیستی ندارد جنبش سرنگونی را هم نمیشناسد و بخصوص رابطه آن با قدرت چه در جامعه را نمیبیند و درک نمیکند. اولاً همانطور که گفتیم مضمون سوسیالیستی جنبشهای اعتراضی موجود خود نشانه حد معینی از اعمال رهبری سوسیالیستی در جامعه است و دوم اینکه اگر این نفوذ چه نبود آنوقت جنبشهای اعتراضی و جنبش سرنگونی هم این ابعاد و موقعیت امروز را نمیداشت. اینطور نیست که اگر کار بدست جنبش های دیگری مثل جنبش ملی اسلامی و یا جنبش سلطنت طلبها بود آنوقت باز هم ما خیزش ۱۸ تیر و ۸ مارس ها و اول ماه مه ها و ۱۶ آذرهای سرخ و رادیکال و حرکتهای رادیکالی نظیر خیزش اخیر در آریا شهر را میداشتیم نه! اینجور نمیشد. جنبشهای راست بطورعلنی و صریح مقابل اعتراضات مردم ایستاده اند و حداکثر حرفی که در عرصه سیاسی دارند اینست که از نافرمانی مدنی فراتر نباید رفت. اعتراضات علیه حکومت را خشونت مینامند و روی جناحهای حکومت و یا دخالت آمریکا حساب باز میکنند و کلا تغییر از درون و استحاله و غیره و یا انقلاب مخملی را طرح میکنند. اما دیدیم که در نهایت کارشان نگرفت و حاشیه ای شده اند. اینها دست را به چه و به جنبشهای اعتراضی چه و رادیکال مردم باختند.

بنابراین اگر جنبش سوسیالیستی نبود آنوقت حتی جنبش سرنگونی هم با مضمون و ابعادی که امروز شاهد آن هستیم وجود نمیداشت. اگر مدام جنبش کمونیسم کارگری بر ضرورت سرنگونی پافشاری نمیکرد از جنبش سرنگونی و کل جنبشهای اعتراضی در جامعه چیزی باقی نمی ماند.

اساسا اسم جنبش سرنگونی را حزب ما به این جنبش داده است، آنرا برسمیت شناخته و موانع را از جلوی راهش برداشته و آنرا بجلو سوق داده است. بویژه در آن دوره ای که جنبش دو خرداد برو بیبا داشت و مطرح بود و کاربردست بود مقابله حزب ما با دو خرداد نقش مهمی در رادیکالیزه شدن جامعه داشت. اگر چنین مبارزاتی نبود و اگر مبارزات حزب ما نبود طبعا جنبش سرنگونی هم این موقعیت را

## گزارشی از اعتراض کارگران پالایشگاه آبادان

## کارگران نیشکر هفته تپه به اعتصاب خود پایان دادند

های خود هستند. کارگران اقداماتی را به منظور مقابله با تعطیل کارخانه در دستور گذاشته اند. اتحاد، رزمندگی و پافشاری هزاران کارگر نیشکر هفت تپه و توهم نداشتن به مقامات و مسئولین، از نقاط برجسته این اعتصاب شش روزه بود. کارگران هفت تپه با اتکا به این نقاط قوت میتوانند نیروی بیشتری برای مقابله با تعطیل کارخانه و سایر خواستههای خود به میدان آورند. این شرط پیروزی آنها در مقابل بیکارسازی ها پیشقدم شوند.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از مبارزه کارگران هفت تپه پشتیبانی میکند و آنها را فرامیخواند برای به میدان آوردن صدها هزار کارگر دیگر در اطراف آنها که خواستههای مشابهی دارند، پیشقدم شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۳۸۶/۱ آوریل ۲۰۰۸ فروردین

### کمک مالی به حزب مهین نریمانی: ۲۰۰ دلار

است که اینجا دقیقاً عملکردش را میبینیم، بنابراین کسانی که اینطور ارزیابی میکنند که وقتی رهبری مستقیم حزب در جنبش سوسیالیستی نباشد نمیشود به آن جنبش سوسیالیستی گفت، میتوانم بگویم که یا بحث حزب و جامعه را از پایه نفهمیده اند و نگرفته اند و یا در هر حال امرشان نبوده و نیست. من یکبار دیگر دوستان را رجوع میدهم به مطالعه بحث حزب و جامعه بخصوص بحثهایی که در کنگره اخیر ما و در پلنوم ۲۹ در مورد جنبش سوسیالیستی و در مورد جنبش سرنگونی در ایران داشته ایم بطور مسیح در آنجا میشود دید و به آن رجوع کرد.

کارگران نیشکر پس از شش روز اعتصاب از ۲۰ تا ۲۵ فروردین ماه، امروز دوشنبه به اعتصاب خود پایان دادند. طبق گزارشی که به حزب رسیده است، بدنبال تجمع ۳۰۰۰ نفر از کارگران در مقابل دفتر مدیریت در روز یکشنبه ۲۵ فروردین، به کارگران قول داده شد که حقوق فروردین هفته آینده پرداخت شود. پاداش کلیه کارگران نیز پرداخت شده است. کارگران ترجیح دادند اعتصاب را خاتمه دهند و چنانچه هفته آینده حقوق آنها پرداخت نشد، اعتصاب را مجدداً از سر بگیرند. یک دلیل دیگر پایان دادن به اعتصاب این بود که در صورت ادامه اعتصاب نیشکرها بریده شده خشک و غیر قابل استفاده میشد و کارگران ترجیح دادند کار را از سر بگیرند.

کارگران اعتصاب شش روزه خود را موفقیت آمیز میدانند اما در عین حال شدیداً نگران تعطیل کارخانه و از دست دادن شغل

اعتراض بود. حزب کمونیست کارگری از خواستههای بحق کارگران پالایشگاه آبادان قاطعانه حمایت میکند. در گزارش دیگری از تعرض دولت به برخی مزایای کارگران شرکت نفت دفتر مرکزی تهران اشاره کردیم. قطع سوسید به مادران بابت مهد کودک، گران کردن غذای رستوران، محروم کردن کارگران پیمانی از سروس های ایاب و ذهاب از جمله تعرضات دولت به کارکنان نفت است. فشار به کارگران نفت سراسری است و کارگران سایر شهرها و مراکز نفتی را نیز در بر خواهد گرفت. این تعرضات باید با حرکت سراسری و قدرتمند کارگران پاسخ گیرد. کارگران نفت قادرند نه تنها تعرض به حقوق و مزایای خود را متوقف کنند بلکه با بلند کردن پرچم خواستههای کل طبقه کارگر، جنبش کارگری را گام بلندی به جلو سوق دهند. حزب کارگران شرکت نفت در سراسر کشور و سایر مراکز کارگری را به همبستگی و دست زدن به حرکت های سراسری و همزمان برای تحقق خواستههای خود فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۳ آوریل ۲۰۰۸، ۲۵ فروردین ۱۳۸۶

جشن آدم برفی ها دیدیم و یا در شهرهای کردستان شروع شد، این ها جواب مثبتی هستند که جامعه به سیاستهای انسانی و به سیاستهای سوسیالیستی داده که حزب ما مطرح میکرد و تبلیغ میکرد و در جهت فعالیت میکرد و بدون ابتکار حزب ما برای تشکیل نهاد اول کودکان و کودکان مقدمند، من مطمئنم که چنین جشن آدم برفی ها در دفاع از حقوق کودک هم در چنین سطحی صورت نمیگرفت و روز جهانی کودک هم جشن گرفته نمیشد. بدون مبارزه پیگیری که حزب ما علیه اعدام کرد آنوقت حرکت سال گذشته در مبارزه علیه کل مجازات اعدام و نه فقط احکام اعدام آنها به ابتکار خود

کردن یکجای پاداش های کارکنان. موضوع از این قرار است که از یکطرف روند رو به رشد خصوصی سازی در کشور، که شرکت نفت را هم در بر میگردد، از جمله بخش ایرانول پالایشگاه آبادان به بخش خصوصی واگذار شده است و از طرف دیگر افزایش تصاعدی قیمت زمین و خانه و اجاره خانه، واگذاری منازل را به یک موضوع داغ و جنجالی در چند سال اخیر تبدیل کرده است. تصمیم به ایجاد یک منطقه آزاد اقتصادی و تجاری بین آبادان و خرمشهر افزایش قیمت ها را هرچه بیشتر سرعت داده و خیل زیادی از سرمایه داران و زمین خواران و پیمانکاران ساخت و سازهای ساختمانی به آبادان سرازیر شده و چشم طمع به منازل شرکت نفت دوخته اند. به مزایه گذاشتن منازل شرکت نفت، سودهای هنگفتی نصیب بخش های مختلف سرمایه داران میکنند.

اعتراض و تحصن پرسنل در ۹ دیماه ۱۳۸۶ این روند را کند کرد و برای مدتی مسکوت گذاشت اما در سال جدید زمزمه های آن بار دیگر بلند شده است. تصمیم کارگران و کارکنان پالایشگاه به تحصن در روز ۲۴ فروردین عکس العمل آنها نسبت به این مساله بود. کاهش ساعات اضافه کاری نیز موضوع دیگر

در اطلاعیه دیروز به اطلاع رساندیم که کارگران و کارکنان پخش و پالایش، خطوط لوله، مخابرات و سایر بخش های وابسته به پالایشگاه آبادان قرار بود روز شنبه ۲۴ فروردین در اعتراض به مزایه گذاشتن منازل سازمانی و حذف و کاهش ساعات اضافه کاری که منجر به کاهش دستمزد آنها شده است، در مقابل درب مرکزی پالایشگاه دست به تحصن بزنند اما حراست درب پالایشگاه را بست و مانع حرکت کارگران شد. طبق گزارشی که امروز به حزب رسیده است، مسئولین پالایشگاه با کارگران صحبت کرده و از کارگران خواسته اند تا هفته آینده که نعمت زاده معاون پخش و پالایش در وزارت نفت به آبادان میاید صبر کنند و دست به اعتصاب و تحصن نزنند. کارگران نیز یک هفته به آنها مهلت داده اند.

پرسنل پالایشگاه آبادان خواهان واگذاری منازل به کارکنان هستند، مانند برخی دیگر از مراکز نفتی از جمله ماهشهر و اراک که منازل به صورت اقساط طولانی مدت به کارکنان واگذار شده است. اما در آبادان فقط تعداد معدودی از منازل فرسوده در ایستگاههای کارگری به کارکنان واگذار شده است آنها در ازای بازنشستگی پیش از موعد و کم

### از صفحه ۵ از میان سؤالات جلسات هفتگی ...

سوسیالیستی که در جنبش سرنگونی مطرح هستند نشاندهنده درجه معنی از اعمال و تاملین رهبری اجتماعی کمونیسم کارگری در جامعه است. امیدوارم به سؤالات شما پاسخ گفته باشم.\* آن شعارها و مطالبات انسانی و سوسیالیستی که ما هر روز در جنبشهای جاری میبینیم بنظر تاثیر اجتماعی وسیع ولی غیر مستقیم فعالیتهای حزب ما در سطح جامعه است. این جوابی است که جنبش علیه اعدام، جنبش برابری زن و مرد، جنبش علیه حجاب، جنبش دفاع از حقوق کودک از همان نمونه ای که در

نمیداشت و کار تماماً در دست جنبش های ملی اسلامی و ناسیونالیستی و غیره میافتاد. بطور خلاصه اینها اجزا مختلف بحث من هستند که اولاً جنبش سرنگونی جدا از نفوذ جنبش چپ، بخصوص جدا از شعارها و افق و آرمان که حزب کمونیست کارگری در جامعه رواج داده نیست، و بدون این افق و آرمان سوسیالیستی اساساً کل جنبش سرنگونی در ابعاد و خصوصیات فعلی اش وجود نمیداشت و ما حداکثر شاهد نقلاتی میبودیم برای انقلاب محملی و برای رفاندم و غیره. و ثانیاً آن شعارها و مضامین

### اساس سوسیالیسم انسان است.

### سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

## گزارشی از اعتصاب قدرتمند کارگران کارخانه کیان تایر

### تنظیم از ناصر اصغری

۲۰۰۰ تن از کارگران کیان تایر در تهران روز ۲۰ فروردین ماه در اعتراض به عدم دریافت دستمزدهای خود دست به اعتصاب زدند. کارگران با روشن کردن آتش در محوطه کارخانه توجه کارگران مراکز اطراف را به اعتصاب خود جلب کردند. خواست کارگران پرداخت فوری دستمزدهای معوقه خود و پرداخت مزایا و همبندولوژی از بسته شدن کارخانه و از دست دادن شغل هایشان بود. روز ۲۴ فروردین ماه، کارگران همچنان در اعتصاب هستند و از ساعت ۶ صبح آن روز در محل کارخانه دست به تجمع زده و بار دیگر در محوطه کارخانه دست به روشن کردن آتش زدند. رژیم اسلامی با گسیل نیروهای انتظامی، جاده بین پل ساوه تا محل رباط کریم را از دو طرف مسدود کرد و کارخانه را به محاصره نیروهای سرکوب در آورد و به کارگران هشدار داد که آتش را خاموش کرده و کارخانه را ترک کنند. استاندار تهران به میان کارگران رفته و وعده و وعید می دهد و نیروهای سرکوبگر نیز هشدار می دهند که اگر کارگران کارخانه را تخلیه نکنند به آنها یورش خواهند برد، کارگران نه

وقعی به وعده و وعیدهای استاندار گذاشتند و نه بهائیی به تهدیدهای نیروهای سرکوبگر دادند. کارگران اعلام کردند که این وعده و وعیدها دروغ است و تا زمانی که کارفرما به جمع آنها نیاید و تکلیفشان را روشن نکند، به تجمع و اعتراض خود ادامه خواهند داد. معاون سیاسی استاندار تهران ساعتی بعد به کارگران قول پرداخت دستمزدهای پرداخت نشده را تا ۴۸ ساعت آینده می دهد، اما کارگران ترك کارخانه را مشروط به واریز نمودن بدهی های خود اعلام کردند و گفتند که شب را در کارخانه خواهند ماند. یگان ویژه رژیم آماده کارگران شد.

### فرهاد قاسمی، خبرنگار

### حزب شب ۲۴ فروردین

### چنین گزارش میدهد:

"ساعت هفت و نیم عصر شنبه نیروهای ضد شورش با شکستن در و با نزدیکان های آلومینیومی از دیوار سه متری کارخانه به سرعت بالا آمدند و وحشیانه شروع به زدن کارگران با باتوم های برقی کردند. با تیر و لگد کلیه درهای کارخانه را شکستند و با موتور سیکلت شروع به گشت زنی در کارخانه کردند. هر کس س راهشان بود لت و پار کردند،

حتی انتظامات خود کارخانه و اعضای شورای اسلامی را. دهها نفر از کارگران را دستگیر کردند. حداقل دو اتوبوس از کارگران دستگیر شده را از کارخانه خارج کردند.

کارگران که از صبح با فلاخن سنگ و کوکتل مولوتف به بیرون کارخانه پرتاب می کردند با خواهش فراوان و قول های مسئولین آرام نشدند. از صبح بزرگراه آزادگان ترافیک شدیدی داشت. حدود ساعت ۶ رئیس نیروی انتظامی منطقه به مدیران گفته بود که تا ساعت ۸ باید جاده باز شود و گرنه به محض تاریکی حمله می کنند. ساعت هفت و نیم حمله به کارگرانی که جرمشان اعتراض به نپرداختن دستمزدها است، شروع شد. رئیس نیروی انتظامی به مدیران گفته بود که کارشناس و مهندسان یک جای امن مخفی شوند که بعد از حمله با همکاری انتظامات کارخانه از در پشت و مخفی کارخانه که به خطریل قطار تهران و اصفهان باز می شود، خارج شدند و به کمک مینیبوس نیروی انتظامی از منطقه دور شدند.

منطقه را به شعاع ۵ تا ۶ کیلومتر تخلیه کرده بودند. در موقع حمله تعدادی از کارگران درگیر شدند. صدای آژیر آمبولانس و

ماشین های پلیس تمام منطقه را گرفته است. در حال حاضر هر تعداد از کارگران که توانسته اند در داخل کارخانه مخفی شده اند و تعداد زیادی از کارگران دستگیر و مضرور شده اند."

با رسیدن اخبار تکمیلی به حزب و به "کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی"، معلوم شد که تعداد دستگیر شدگان بسیار بیشتر از ارقامی بود که در ساعات اولیه حمله نیروی سرکوب گزارش شده بود. در حمله نیروهای سرکوب صدها نفر از کارگران اعتصابی دستگیر شده بودند. تعدادی از کارگران نیز از طریق فاضلاب شرکت توانسته بودند از دست نیروهای سرکوبگر فرار کنند. با رسیدن خبر دستگیری کارگران به خانواده هایشان، آنها در مقابل دادگاه چهاردانگه و سپس در مقابل پاسگاه احمدآباد مستوفی تجمع کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران دستگیر شده شدند. طبق آخرین گزارشات همه کارگران دستگیر شده کیان تایر به جز یکی از آنان بنام نظام علی نادری از زندان آزاد شده اند. کارگران دستگیرشده را مورد ضرب و شتم قرار دادند و تعدادی از آنها را تحت

فشار گذاشتند که تعهد بدهند در اعتراضات کارگری شرکت نمی کنند.

در جریان اعتصاب، به ۶ تن از کارگران آتش نشانی دستور داده شده بود که بر روی کارگران اعتصابی آب داغ بپاشند، اما کارگران آتش نشانی با حمایت از کارگران اعتصابی از دستور فرماندهان سرپیچی کرده و آب داغ را روی آسفالت ریخته بودند. این ۶ کارگر نیز به جرم سرپیچی از تصمیم جنایتکارانه نیروهای سرکوب دستگیر شدند که تا کنون خبری از آنها دریافت نشده است.

بدنبال اعتصاب، سرانجام دولت و کارفرما مجبور به پرداخت دو ماه حقوق معوقه کارگران شدند اما سه ماه از دستمزدهای کارگران هنوز پرداخت نشده است. به کارگران وعده داده شده که در هفته آینده بقیه دستمزد معوقه آنها پرداخت خواهد شد و کارگران اعلام کرده اند در غیر اینصورت مجددا دست به اعتصاب خواهند زد. نگرانی دیگر کارگران تعطیل کارخانه و از دست دادن شغل است. زمزمه پلمب کردن درب کارخانه و بستن آن مدتی است به گوش میرسد.

با سرکوب کارگران کیان تایر، جمهوری اسلامی برگ دیگری به تاریخ سراپا جنایت خود افزود و خشم و انزجار کارگران و مردم به جان آمده را گسترده تر و عمیق تر کرد. \*

## بهر روز کریمی زاده و مجید پورماجد آزاد شدند

### احمد قصابان، مجید توکلی، احسان منصوری و عابد توانچه به زندان محکوم شدند

امروز ۲۷ فروردین بهروز کریمی زاده از فعالین سرشناس "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب" که چند روز بعد از برگزاری مراسم روز دانشجو دستگیر شده بود با تودیع وثیقه سنگین ۳۰۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شد. مجید پورماجد یکی دیگر از فعالین دانشجویی که روز ۱۰ فروردین توسط نیروهای امنیتی ربوده شده بود نیز در روز ۲۵ فروردین ماه بعد از تحمل شکنجه های طولانی از زندان آزاد شد. مهرداد لهراسی که از ۱۸ تیر ۷۸ تا کنون زندانی بود نیز دوشنبه ۲۶ فروردین بعد از ۹ سال حبس آزاد شد. سازمان جوانان کمونیست آزادی بهروز و مجید و مهرداد را به آنان و خانواده هایشان و همه دانشجویان و همه کسانی که برای آزادی شان تلاش کردند تبریک می گوید و خود را در این شادی شریک میدانند. به امید

آنکه با مبارزه ای متحد و گسترده همه دانشجویان و زندانیان سیاسی را آزاد کنیم و بساط زندان و دادگاه و شکنجه و کل رژیم اسلامی را برچینیم.

در حال حاضر فرهاد حاجی میرزائی، پیمان پیران، احمد قصابان، مجید توکلی و احسان منصوری از جمله دانشجویانی هستند که همچنان در زندان های مخوف جمهوری اسلامی تحت شرایط غیر انسانی به سر می برند. احمد قصابان، مجید توکلی و احسان منصوری که بنا به حکم اولیه دادگاه تبرئه شده بودند با وجود تودیع وثیقه از زندان آزاد نشده و به ترتیب به ۲سال و ۲ماه، ۲سال و نیم و ۱سال و ۱۰ ماه زندان تعزیری غیر قابل تجدید نظر محکوم شدند. عابد

توانچه دیگر فعال دانشجویی نیز در دادگاهی نمایشی به ۸ ماه زندان تعزیری محکوم شده است. اینگونه

دادگاه ها همچون شمشیری بر بالای سر دانشجویانی قرار دارد که جمهوری اسلامی تحت فشار اعتراضات و تلاش گسترده در سطح بین المللی مجبور شده آزاد کند. جمهوری اسلامی وثیقه های سنگینی برای این دانشجویان مقرر کرد و وثیقه تهدیدی است تا هرگاه لازم شد دانشجویان را به زندان و دادگاه بکشانند. این در حالی است که کمیته های انضباطی که ادامه ارگانهای امنیتی جمهوری اسلامی در دانشگاه است ۳۰ نفر از دانشجویان شیراز و تعدادی از دانشجویان علوم پزشکی اردبیل را احضار کرده اند.

باید علیه همه این دستگاه سرکوب و ارباب و کنترل به اعتراض برخاست. باید فضای اعتراضی فعال و توده ای را در

دانشگاه دامن زد و جمهوری اسلامی را به عقب راند. باید متحد و یکصدا مبارزه را تا آزادی فوری و بی قید و شرط همه دانشجویان زندانی ادامه داد. باید یکصدا احکامی که دادگاه های رژیم اسلامی علیه دانشجویان صادر کرده است را محکوم کرد و خواهان لغو فوری این احکام شد. باید خواهان لغو تمام وثیقه ها شد. باید خواهان لغو احضارها و احکام کمیته های انضباطی و انحلال خود این کمیته ها شد. این مطالبات را باید در هر فرصت و اجتماعی مطرح کرد و باید شعار آزادی زندانیان سیاسی، آزادی دانشجویی در بند را در همه جا طنین انداخت.

بار دیگر آزادی بهروز کریمی زاده، مجید پورماجد و مهرداد لهراسی را تبریک می گوئیم و امیدواریم آزادی این عزیزان سرآغاز

تلاشی متحدتر، گسترده تر و پرشورتر برای عقب راندن دادگاه و زندان و وثیقه و کمیته انضباطی رژیم اسلامی باشد. بویژه اکنون که در آستانه روز جهانی کارگر قرار داریم از همه دانشجویان دعوت میکنیم تا با شرکت هرچه وسیعتر در برپایی اول مه، بطور سراسری و در همه دانشگاه های کشور برای تحقق خواسته های فوق و برای آزادی، برابری، هویت انسانی به میدان بیایند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری،

حکومت کارگری

سازمان جوانان کمونیست

۲۷ فروردین ۸۶، ۱۵ آپریل ۲۰۰۸

## درگیری فیزیکی طرفداران رژیم چنچ در کاخ سفید واشنگتن



ناصر اصغری

بهمدیگر برخورد کنند، تنها نشانه از پیش زمینه‌های خونین دیگری است که برای کردستان ایران در سر دارند. آنچه را که به متوهمین به عبدالله مهتدی، عمر ایلخانی زاده، عبدالله کهنه پوشی و تعدادی که فعلا در کومه له لانه کرده‌اند، می‌توان گفت، این است که هیچکس نباید گذشته، حال و آینده خود را به سیاست‌های قومی اینها گره بزند. این سیاست‌ها در تغییر و تحولات پیش روی در ایران محکوم به شکست است. \*

رسانه‌هایی با برد وسیع مدام دارد به کارگران و مردم افق و امید میدهد، پیوندهای طبقاتی و سیاسی میان مردم را محکمتر میکند و مردم را به مبارزه متحدانه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و خنثی کردن نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان مردم فراخوان میدهد و به هم پیوند میدهد، نیز تضمینی برای جلوگیری از ایجاد آن جهنمی است که دشمنان مردم خواش را دیده‌اند.

انفجار شیراز کار هر دارودسته‌ای که باشد، ما را یک بار دیگر باید برای تقویت و گسترش هرچه بیشتر همین روند و همین واقعیت مصرتر کند. ما پادزهر تروریسم را داریم. کارگران و مردم ایران متفرق و مستاصل نیستند. جنبش و افق تضمین شکست قطعی توطئه‌های ضد انسانی باید هرچه قاطع‌تر و متحدانه‌تر برای درهم کوبیدن کانون تروریسم امروز یعنی حکومت توحش اسلامی به پیش رویم. به زیر کشیدن این حکومت و برپایی جامعه‌ای انسانی و متحد، کل کانونهای رنگارنگ تروریسم را به درماندگی و استیصال خواهد کشاند. \*

درگیری فیزیکی و مسلحانه افراد سازمان زحمتکشان در کردستان عراق را هم تحلیل کرد. اینها که با به گرو گرفتن کنگره حزبشان چند سال پیش به زور پلیس جلال طالبانی خودشان را کومه له خواندند، راه چندین دهه پیموده شده گروه‌های قوم‌پرست را می‌خواستند یک شبه پیمایند! از همان روز اول جدائی‌شان از کومه له، بر سر قدرت و اینکه تا کجا می‌توانند لات بازی در بیاورند، با همدیگر اختلاف داشته و چندین بار فیزیکی درگیر شده‌اند. بسیاری از افرادی که سادلوخانه گول توطئه‌های عبدالله مهتدی و عمر ایلخانی زاده را خوردند، بعید بنظر می‌رسد که در اهداف mercenary (مزدوری) اینها خودشان را شریک بدانند. اگر امروز عبدالله مهتدی و عبدالله کهنه‌پوشی نمی‌توانند در مورد پیش پا افتاده‌ترین مسائل در یک جمع رقیفانه خودشان با مدنیت

های مذهبی رقیب حکومت اسلامی هم کم نداریم که در تلاش شروع کشاکش مذهبی و دینی میان بخشهای مردم هستند. در طرف دیگر نقشه رقبای بین‌المللی و "نظم نوینی" حکومت برای تقویت این موجودات هم جای خود را دارند که دیدن آن مهم است. اما این تلاشها تازه نیست. از ابتدای روی کار آمدن جمهوری اسلامی به نحو گسترده‌تری به جریان افتاده است. اما اگر ما هشدار می‌دهیم به این مفهوم نیست که این جریانان در ایران زمینه دارند. ما در مقطعی بسر می‌بریم که بخش اعظم این تلاشها و توطئه‌های مذهبی و قومی و ناسیونالیستی عملا به شکست رسیده است و منادیان آنها منزوی شده‌اند. ما در ایران شاهد یک جنبش و مبارزه و جنب و جوش وسیع، مدرن، آزادخواهانه و انسانی از جانب کارگران و دانشجویان و زنان و بخشهای مختلف مردم در سراسر ایران هستیم که اساسا بر هم سرنوشتی بخشهای مختلف مردم متکی است. این جنبش گسترده و سراسری‌ای است که تا حد زیادی خودآگاه است، رهبران پیشرو و چپ و رادیکالی در راس بخشهای مختلف آن قرار دارند. وجود حزبی که با

"نماینده" بهائیان و مجاهدین خلق و حزب دمکرات کردستان؛ و آنها نیز برعکس دست به دامن نمایندگان احزاب جمهوریخواه و حزب دمکرات آمریکا شده‌اند. در کمپ خودشان هم مسئله ادا بر سر منافع مردم ایران و یا "ملیت‌های ایرانی" نیست. مسئله بر سر خاکی است که قرار است ساکنین این خاک رعایای این "نمایندگان" باشند. غافل از اینکه "کسی شاه است تنها به این دلیل که انسان‌های دیگر نسبت به او رعیتانند." اگر اینها با حضور فعال پلیس کاخ سفید و در سالنی هزاران کیلومتر دور از ایران برای همدیگر شاخ و شانه می‌کشند، در فردای سرنگونی رژیم اگر فرصتی به آنها داده شود، جویبار خون از "غیرخودی" راه خواهند انداخت. درگیری فیزیکی طرفداران عراقی‌شدن ایران در کاخ مهتدی در همین متن بالا می‌شود

در برابر مردم منتسب به سایر ادیان و اندیشه‌ها خود را معرفی میکنند و تلاش میکنند این جدایی‌ها را تشدید کنند. دارو دسته‌های ناسیونالیست قوم پرست و مذهبی دیگر نیز در رقابت با حکومت ظرفیتهای بالایی در این زمینه را از خود نشان میدهند و موجودیتشان به گسترش تفرقه‌ها گره خورده است. تاکنون علیرغم تلاشهایی که کرده‌اند موفق نبوده‌اند و میتوان زمینه رشد آنها را به نحو موثری از بین برد. جریانان ناسیونالیست و قوم پرست دارند کارگران و زنان و مردمی را که در سرتاسر ایران بر خواستهایی واحد و سراسری و پیشرو تاکید میکنند و برای آن مبارزه میکنند، به بلوچ و ترک و کرد و عرب و فارس و سنی و شیعه و امثال آن تقسیم میکنند و حتی آنگذر و قیچند که وقتی کارگر نیشکر هفت تپه مبارزه میکنند و مورد حمایت بخشهای وسیعی از کارگران و کمیونستها در ایران و در سطح بین‌المللی قرار میگیرند، مصرند که آنها را بعنوان "کارگران خوزستانی" از سایر کارگران و مردم جدا کنند. برادران "جدی‌تر" اینها هم دارند برای "فدرالیزه کردن" ایران و تقسیم این جامعه به چارچوبه‌های قومی نقشه میکشند. از دارودسته

آشوب می‌کشد. ابتدا تعدادی از این "نمایندگان" به نشانه اعتراض به حرف‌های این سرهنگ، جلسه را ترک می‌کنند و تعدادی دیگر در حضور نمایندگان کنگره آمریکا، در کاخ سفید و در دو قدمی اتاق خواب جورج دبلیو بوش آقای سرهنگ را تهدید می‌کنند که بدنش می‌خورد. این آشوب اولیه با حضور پلیس کاخ سفید موقتا فروکش می‌کند. اما این آتش بس شکننده بهم خورد وقتی که یکی از پان ایرانیست‌های حاضر در جلسه انگیزه افراد شرکت کننده در این جلسه را تجزیه ایران دانست و گفت که ایران کشور واحدی است با تاریخی ۲۵۰۰ ساله و غیره که کسی حق تجزیه آن را ندارد! برای دخیل شدن در فردای سیاست ایران، قوم پرستان حاضرند به هر جنایتی دست بزنند. برای جلوگیری از رادیکالیزه شدن اعتراضات توده‌ای بر علیه جمهوری اسلامی، آمریکا دست به دامن

### از صفحه ۱ سخنی به بهانه انفجار...

شکست مینماید. مهم اینست که توجه توده‌های وسیع مردم را از این زاویه هم به ارزش و اهمیت و نقش جنبش آزادیخواهانه و حق طلبانه خویش جلب کنیم. هیچ تردیدی نباید داشت که اگر میلیونها مردم متحد باشند با حداقل در جدال و جنگ و دشمنی با یکدیگر نباشند و افق و آینده‌ای انسانی را روبروی خویش ببینند، این غده منحوس و ضد بشری تروریسم در گوشه و کنار جهان سربرآورده است، جایی برای میدان داری و ابراز وجود پیدا نخواهد کرد. از این زاویه هم این مهم است که ما مردم در ایران به تفرقه افکنی‌های ملی و قومی و مذهبی هوشیارانه میدان ندهیم و جلوی جانوران منفور و مرتجعی که مدام دارند جدایی و نفرت مذهبی و ملی و قومی را در میان مردم دامن میزنند فعالانه بایستیم. جمهوری اسلامی که تکلیفش روشن است و مرکز و محور تروریسم در گوشه و کنار دنیاست. اما این فقط جمهوری اسلامی نیست که مدام دارد اختلافات میان مردم منتسب به ادیان مختلف را باد میزند و بویژه بعنوان نماینده شیعیان

سایت NIAC در روز ۲۶ مارس امسال گزارشی به قلم آرش حاجی علیلو در باره نشست "نمایندگان اقلیت‌های ایرانی با دو تن از نمایندگان کنگره آمریکا درج کرده بود، که به قول سایت مانتلی رویو برای درس آموزی هم که شده نظر افکنند به آن خالی از لطف نیست. این نشست که با حضور دو تن از نمایندگان کنگره آمریکا که یکی طرفدار مجاهدین خلق ایران است و دیگری هم غیرمستقیم طرفدار این گروه است، برگزار گردیده بود، به زد و خورد تقریبا فیزیکی بین طرفداران تمامیت ارضی و قوم پرستان می‌انجامد و با دخالت پلیس ناتمام به پایان می‌رسد.

در این گزارش آمده است که یکی از مأموران بازنشسته FBI که سرهنگی در دوره حکومت پهلوی نیز بوده است، گزارش این "نمایندگان اقلیت‌ها" را اغراق آمیز خواند که این موضوع جلسه را به

که مهم است. اگر بخواهیم مانع میدان پیدا کردن و رشد این اپیدمی نفرت آور تروریسم در جامعه ایران شویم این مهم و حیاتی است که ما مردم هوشیار باشیم. واقعیت در همه جای جهان نشان داده است که تروریسم در شکاف و خلل و فرجی که در صفوف مردم ایجاد شود، خانه میکند و میتواند دوام آورد. در ایران تاکنون تلاش کل جک و جانوران مذهبی و قومی و ناسیونالیست برای دامن زدن به تفرقه و شکاف میان مردم محکوم به ایزوله شدن و شکست بوده است. وجود کارگران و مردمی آزادیخواه و انسان دوست و پیشرو که خود را در برابر حکومت توحش اسلامی هم سرنوشت میبینند، و جنبش گسترده سرنگونی طلبی و آزادیخواهی در ایران را با هزینه‌های بسیار، فعالانه به پیش میبرند، امکان سربرآوردن تفرقه و کشاکش قومی و ملی و مذهبی میان مردم را علیرغم تقلائی جریانان مرتجع ضد انسانی کور کرده است. و همین عامل اصلی‌ای است که دامن زدن به فضای ترور و کشتار کور به مفهومی که داریم از آن سخن می‌گوییم را محکوم به



## از صفحه ۱ اخراج جمهوری اسلامی از ...

نوشته هفته گذشته به فاکتورهای مهمی که زمینه را برای برگزاری هر چه با شکوه تر اول مه فراهم میکند، از جمله آزادی محمود صالحی از چهره های سرشناس جنبش کارگری در ایران و ابعاد گسترده اعتراضات کارگران در ایران اشاره کردم، اما سیرتحوالات آنچنان پر شتاب است که در همین هفته اخیر شاهد اتفاقات مهمی بودیم، که بدون شک تاثیرات خود را بر اول مه امسال خواهد گذاشت. نگاهی به هفته ای که گذشت، برنامه های دولتی در هفته کارگر جمهوری اسلامی، و جنبه بین المللی اول مه نکات دیگری است که تلاش دارم در این نوشته به آنها اشاره کرده و بر روی آنها تاکید داشته باشم.

## در هفته اخیر چه گذشت؟

- در هفته اخیر ما شاهد ادامه اعتراض ۲۰۰۰ کارگر کیان تایر بودیم. روز شنبه گذشته نیروهای سرویکر رژیم اسلامی به تحصن کارگران این کارخانه وحشیانه حمله بردند و کارگران را مورد ضرب و شتم قرار دادند و صدها کارگر را دستگیر و زندانی کردند. اما خانواده های کارگران بلافاصله تجمع کردند، خواهان آزادی همسرانشان از زندان شدند و کارگران دستگیر شده فوراً از زندان آزاد شدند و دو ماه از طلبهایشان نیز پرداخت شد. کارگران کیان تایر یک هفته اولتیماتوم دادند که اگر باقی طلبهایشان پرداخت نشود به اعتراضشان ادامه خواهند داد. نکته جالب در این حرکت اعتراضی این بود که کارگران آتش نشانی که ظاهراً برای سرکوب کارگران و ریختن آب گرم بر روی آنها به محل آورده شده بودند از انجام این کار سر باز زدند و تحت عنوان ترمز، ۶ نفر از آنان دستگیر و زندانی شدند. نمونه جالبی از همبستگی با کارگران که نمونه های زیبایی را در دوران انقلاب شاهد بودیم.

- در هفته اخیر اعتراضات کارگری بازم ابعاد گسترده تری بخود گرفت، اعتراضات پی در پی ۵۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه، اعتراضات پی در پی کارگران کشتی سازی ایران صلدا در بوشهر، تجمع اعتراضی بیش از ۱۴۰۰ کارگر "بهداشتی می‌نا" و نساجی های فرخ و نازخ در شهر قزوین، تجمع اعتراضی جوانان بییکار خاتون آباد و بستن جاده منتهی به کارخانه ذوب مس در ۲۰

دانشگاهها کماکان بالاست. بویژه آزادی بهروز کریمی زاد و مجید پورماجد از زندان در هفته اخیر، یک اتفاق سیاسی مهم دیگر بود که بیش از پیش تاثیر خود را بر فضای اعتراضی در دانشگاهها میگذارد. این در حالیست که در دو ساله اخیر، دانشگاهها یک مرکز مهم برپایی اول مه و بزرگداشت این روز بود. امسال نیز بحث بر سر برپایی اول مه، آنهم با خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی یک محور مهم بحث است. واقعیت اینست که امروز در ایران، مبارزات بخش های مختلف جامعه و خواسته های پایه ای که این مبارزات را به هم پیوند میدهد، بیش از هر وقت نشان میدهد که اول مه روز آزادیخواهی، روز برابری طلبی و روز همه جامعه است. همه اینها اتفاقات مهمی است که ما شاهد وقوع آنها در آستانه اول مه هستیم و بیش از هر چیز بر خطیر بودن شرایط امروز تاکید دارد. در متن چنین شرایطی است که به استقبال اول مه روز همبستگی جهانی کارگران میرویم.

## جمهوری اسلامی و اول مه

واقعیت اینست که برپایی نفس اول مه از همان آغاز یک عرصه مهم جدال کارگران با رژیم اسلامی بوده است. جنبش کارگری در ایران اگر چه در این عرصه یک پیشروی مهم داشته و روزی بعنوان روز کارگر در قانونی کار جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده است، اما رژیم اسلامی با استناد به تقویم ایرانی تلاش کرد، ۱۱ اردیبهشت را بعنوان روز کارگر اعلام کند، تا با این کار ارتباط جهانی بودن این روز در ایران را با روز جهانی کارگر مخدوش کند. در ادامه همین تلاش ها بود که رژیم اسلامی هفته کارگر را به جای روز کارگر گذاشت و مزدوران خانه کارگر و شوراهای اسلامی صحنه گردان های برپایی این مضحکه شدند. هفته ای که در آن هر ساله چماقداران خانه کارگر در کنار جمهوری اسلامی، در تقابل با مراسم مستقل کارگران ایستاده و میکوشند از به میدان آمدن و قدرتمندی کارگران به مناسبت روز جهانی کارگر جلوگیری کنند و برای تحت کنترل داشتن اوضاع، به اسم کارگر اعلام راهپیمایی کرده و هرگاه که اوضاع را از دست خود خارج دیده اند همراه با نیروهای انتظامی در شناسایی و سرکوب کارگران شریک شده اند. بدین

ترتیب رژیم اسلامی در ایران عملاً گرامیداشت اول مه روز جهانی کارگر در ایران را به رسمیت شناخته است. رژیم اسلامی کارگران را بخاطر برپایی اول مه در زندان کرده و برایشان احکام جنایتکارانه شلاق صادر کرده است. محمود صالحی را بیش از یکسال در زندان نگاهداشت و در همین امسال در ۵ مورد احکام شلاق را در مورد کارگران دستگیر شده اول مه سنندج به اجرا گذاشت. از این رو امسال بویژه بیش از هر سال نفس برپایی مراسم اول مه یک عرصه مهم جدال با جمهوری اسلامی و پاسخ دادن به گستاخی های این رژیم شلاق و زندان در قبال کارگران است. در کوران چنین کشاکشی امسال نیز خانه کارگر جمهوری اسلامی، طبق روال هر ساله برنامه های دولتی را بقول خودشان برای هفته کارگر اعلام داشت. هفته ای که بارعام ولایت فقیه، حضور در مرقد امام و مشاوره نیروهای انتظامی رژیم با کارگران در کلاتری ها و غیره و غیره برنامه های این حضرات برای هفته کارگشان است.

اما در این میان کارگران ساکت ننشسته و برهم زدن مراسم دولتی و بدست گرفتن آن بخش مهمی از کشاکش آنان برای تثبیت روز اول مه به عنوان روز همبستگی جهانی و رودردویی با رژیم و مزدوران خانه کارگر و شوراهای اسلامی در طول تمام سالها بوده است. نمونه های برجسته آن را در دو سال گذشته شاهد بودیم. در سال گذشته بود که کارگران با پلاکارد ما کار میکنیم زندگی کنیم، زندگی نمیکنیم که کار کنیم، انرژی هسته ای نمیخواهیم، دستمزد ۱۸۳ هزار تومان هم نمیخواهیم، پیام مهم سیاسی و طبقاتی خود را به این رژیم و به توحش سرمایه داری اعلام کردند. با این کار خود، کارگران در واقع اعلام داشتند که اول مه روز کارگران است و خیابانها از آن آنهاست و اجازه نمیدهند که در این روز به اسم کارگر حرف دیگری زده شود. امسال نیز کارگران مترصد چنین فرصتی هستند و شک نیست که تکرار چنین اتفاقی در شرایط متحول امروز، اول مه امسال را به یک روز تاریخی بزرگی تبدیل خواهد کرد، کارگران خود را برای چنین رودویی آماده میکنند.

## "اول مه"

## روز جهانی کارگران است!

امسال در ایران اول مه مصادف با ۱۲ اردیبهشت است. محبوب دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی هنگامیکه از برنامه های دولتی به مناسبت هفته کارگر سخن میگفت، اشاره داشت که چون در ایران در قانون کار ۱۱ اردیبهشت بعنوان روز کارگر اعلام شده است و امسال اول مه مصادف با ۱۲ اردیبهشت است، برنامه هفته کارگر روز ۱۱ اردیبهشت خاتمه می یابد. این سخنان محبوب سیاست رژیم اسلامی در مخدوش کردن این روز و حمله ای دیگر به دستاورد کارگران در ایران و گرامیداشت اول مه روز جهانی کارگر است. پاسخ محبوب و رژیم اسلامی را باید با برپایی با شکوه اول مه روز همبستگی جهانی کارگر که مصادف با ۱۲ اردیبهشت است، داد. پاسخ محبوب و رژیم اسلامی را باید با اعلام همبستگی جهانی با این روز و فراخوان جهان به حمایت از مبارزات کارگران و مردم ایران داد.

## اول مه روز همبستگی بین المللی کارگران است!

یک جنبه مهم اول مه جنبه بین المللی این روز است. بویژه در شرایطی که ایران به مرکز ثقل تحولات سیاسی در جهان تبدیل شده است، جنبه بین المللی و جهانی اول مه بیش از هر وقت جایگاه و مقام پیدا میکند. ما همواره تاکید کرده ایم که جمهوری اسلامی بعنوان ستون فقرات اسلام سیاسی و رژیم آپارتاید جنسی و شلاق و زندان در ایران باید در سطح جهانی به انزوا کشیده شود. اول مه بعنوان یک روز همبستگی جهانی کارگری، فرصتی مهم برای جلب حمایت کارگران و مردم آزادیخواه در سطح بین المللی، در دفاع از مبارزات کارگران ایران است. بویژه اینکه امروز جنبش کارگری در ایران، بیش از همیشه توانسته است مکان خود را در سطح جهانی باز کند. توانسته است حمایت وسیع بین المللی را بخود جلب کند. ما شاهد روزهای مهمی چون روز همبستگی جهانی کارگری با کارگران ایران رویرو بوده ایم. و همانطور که اشاره کردم هم اکنون ما شاهد شکایت اتحادیه های کارگری جهانی از جمهوری اسلامی به سازمان جهانی کار هستیم، اینها همه پیشروی بزرگ جنبش کارگری در ایران است. باید این پیشروی ها را گامی به جلو برد. یک خواست مهم ما در اول مه امسال اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار است.\*

## اول مه امید دنیاست!

### اعلامیه حزب کمونیست کارگری به مناسبت اول مه ۲۰۰۸

چندی پیش فریاد زنده، بی شک روح اوضاع سیاسی ایران را بیان میکند. طبقه کارگر ستون فقرات این جنبش انقلابی را تشکیل میدهد. نه فقط به دلیل اعتصابات گسترده و فزاینده کارگران که هر دم رادیکال میشود - همچون اعتصاب چند روز پیش کارگران "کیان تایر" که تا باریکاد بندی و درگیری مستقیم با نیروهای جمهوری اسلامی پیش رفت. بلکه همچنین به این دلیل که شعارها و خواسته های طبقه کارگر، از "آزادی، برابری، هویت انسانی" تا "سوسیالیسم یا بربریت"، از "لغو آپارتاید جنسی" تا "ممنوعیت مجازات اعدام"، از "آزادی زن، آزادی جامعه است" تا "معیشت، منزلت حق مسلم ماست" در تظاهرات ها و اجتماعات معلمان، زنان و دانشجویان، در اول مه و ۸ مارس طنین می افکند. این که جمهوری

همه بشریت آزادیخواه و محروم برای تغییر جهان واژگونه فعلی و نهادن آن بر قاعده است. ما همه کارگران جهان و همه بشریت آزادیخواه را فرامیخوانیم تا در اول مه علیه سرمایه و فجاج سرمایه داری، علیه گرسنگی و جنگ، علیه ترور و جهل و دست بالا گرفتن مذهب، علیه بی حقوقی و نابرابری و برای تحقق آزادی، برابری و هویت انسانی به میدان بیایند.

در ایران، طبقه کارگر و اول مه عینا با همین اوضاع روبروست. با این تفاوت که در ایران رژیم اسلامی بورژوازی در بن بست و بحرانی عمیق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گرفتار است و جنبش عظیم و قدرتمند سرنگونی طلبانه و انقلابی علیه آن جریان دارد. شعار "حکومت اسلامی نمی خواهیم" و "علاف کردی ما را از ۵۷ تا حالا" که جوانان تهران همین

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، در شرایطی فرا میرسد که نشانه های یک بحران مالی - اقتصادی گسترده و جهانی مشاهده میشود و مقامات بانک جهانی به دولت های سرمایه داری در باره خطر شورش گرسنگان به دلیل گرانی غذا هشدار میدهند! این چشم انداز بحران و فلاکت جهان ما را که فی الحال در قهقرای "نظم نوینی" و آتش جنگ قدرت تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی دست و پا میزند، از این هم که هست تیره و تارتر میکند. امید برای تغییر این اوضاع را باید اساسا در مبارزه و تلاش وقفه ناپذیر طبقه ای جستجو کرد که اکثریت عظیم ساکنان کره زمین را تشکیل میدهد و این دنیای وارونه بر پایه بردگی مزدی او و برای حفظ این بردگی بنا شده است. اول مه روز اعتراض و اتحاد جهانی این طبقه در عین حال روز متحد شدن

هرچه وسیعتر و گسترده تر برگزار کرد. باید توده وسیع کارگران و همیمنطور همه مردم آزادیخواه را به اول مه جلب کرد. جنبش کارگری ایران در سالهای اخیر بیش از پیش مورد حمایت جهانی قرار گرفته است و به عنوان یک نیروی سیاسی و تحول بخش در جامعه مطرح شده است. اینها نقاط اتکای محکمی برای برپایی هرچه وسیعتر اول مه است. اول مه در ایران با شعار آزادی، برابری، هویت انسانی باید نیروی هرچه وسیعتری را به خود جلب کند و به نقطه امید همه مردم آزادیخواه و محروم تبدیل شود.

حزب کمونیست کارگری کارگران، دانشجویان، زنان و جوانان و همه مردم آزاده ایران را به برپائی یک اول مه با شکوه و قدرتمند فرا میخواند.

زنده باد اول مه!

زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ آوریل ۲۰۰۸، ۲۹ فروردین ۱۳۸۷

## یک مبارز برای زنانی که صدای خود را از دست داده اند گزارش سخنرانی مریم نمازی در خانه فرهنگ شهر بوریس - سوئد

لوئیز مشاور فرهنگی کمون بوریس از مریم نمازی تشکر کرد و از فعالیتهای او قدردانی نمود و هدیه ای را به نمایندگی از کمون بوریس تقدیم وی نمود.

برنامه سخنرانی مریم نمازی با کمک و همکاری اداره فرهنگ شهر بوریس و بخش فرهنگی استان بوتالند غربی انجام شد.

در این روز همچنین مصاحبه دیگری توسط کانال ۴ رادیوی سوئد ضبط شد که در روز جمعه ۱۸ آپریل پخش خواهد گردید. همچنین بخش فارسی رادیوی دولتی سوئد رادیو پژواک و روزنامه شهر بوریس مصاحبه هایی با مریم نمازی انجام دادند. این روزنامه در بالای صفحه ای که به حضور مریم نمازی در این شهر اختصاص داد، در معرفی او نوشت: یک مبارز برای زنانی که صدای خود را از دست داده اند.\*

انسانی و اینکه سیاست نسبیت فرهنگی زیر پا گذاشتن رسمی این حقوق جهانشمول است صحبت کرد.

مقایسه جمهوری اسلامی با رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی و طرد و منزوی کردن رژیم جمهوری اسلامی از جامعه جهانی بعنوان راهی برای مبارزه با اسلام سیاسی از طرف مریم نمازی مطرح گردید.

پس از صحبت های مریم نمازی حاضرین سوالاتی چند از جمله درباره اسلام سیاسی، جدایی مذهب از سیاست، مقایسه خشونت مردسالارانه در اروپا و کشورهای اسلام زده و روایات مختلف از اسلام، مطرح ساختند که مریم نمازی به آنها پاسخ گفت. سخنان مریم نمازی بار ها با کف زدن های حضار پاسخ گرفت.

در پایان جلسه خانم ماری

عکسی برپا بود که صحنه هایی از جنایات جمهوری اسلامی و تصاویری از مبارزات مردم را بر علیه رژیم اسلامی، نشان می داد.

ابتدا امید صالحی از مسئولین انجمن گلوبال به معرفی مریم نمازی پرداخت و سپس مریم سخنرانی خود را آغاز نمود. او به نقش اسلامی سیاسی و وضعیت مردم بخصوص زنان تحت قوانین اسلامی پرداخت. درباره سنگسار و احکام غیرانسانی که در مورد زنان اجرا می شود صحبت کرد. مریم نمازی سیاست نسبیت فرهنگی دولت های اروپائی و نمود های مختلف آن را مورد نقد قرار داد.

معرفی جنبش سکولار در ایران و سایر کشورهای اسلام زده نظیر افغانستان و عراق بخش دیگری از صحبت های مریم نمازی بود. او همچنین درباره حقوق جهانشمول



سیاسی چیست و چگونه باید به اسلام برخورد کرد پرداخت. سخنرانی در محل خانه فرهنگ از ساعت ۷ بعد از ظهر آغاز شد. علاقمندانی که در سالن جای نشستن پیدا نکرده بودند روی پله ها نشسته بودند تا به صحبت های مریم نمازی گوش کنند. بیش از ۱۲۰ نفر برای شنیدن سخنرانی مریم نمازی در سالن حضور داشتند. در سالن عمومی محل سخنرانی نمایشگاه

روز سه شنبه ۱۵ آپریل از طرف انجمن گلوبال جلسه سخنرانی مریم نمازی ترتیب داده شد. قبل از برگزاری سخنرانی مریم نمازی در مصاحبه ای با کانال ۴ رادیوی سوئد مصاحبه کوتاهی داشت. این مصاحبه مستقیما و در پر شنونده ترین زمان، انجام گرفت. در این مصاحبه ابتدا به معرفی مریم و فعالیتهای او اشاره شد و سپس مریم نمازی به این سوال که نقش اسلام

**اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.**

## خاتمی جنایتکار است! باید دستگیر و محاکمه شود!

### در دوران حاکمیت خاتمی:

- بیش از ۲۰۰ نفر اعدام شده اند.  
- دهها زن به قصاص و سنگسار محکوم شده اند.  
- ۴ نفر از کارگران اعتصابی خاتون آباد (شهر بابک) بقتل رسیدند.  
- در سالگر ۱۸ تیر در سال ۸۳ به دستور شخص وی تظاهرات دانشجویان را سرکوب کردند.  
- قتل‌های سازمانیافته مخالفین معروف به "قتل‌های زنجیره ای" در دوره صدارت او صورت گرفت.  
- زنان همچنان مورد اذیت و آزار و بیحقوقی قرار داشتند و کوچکترین اعتراض آنها علیه قوانین اسارت بار و ضدزن با شلاق و دستگیری و

توهین و زندان مواجه میشد.  
- دهها همجنسگرا دستگیر و به زندان و اعدام محکوم شدند.  
- هزاران نفر به جرم دفاع از حقوق انسانی شان در برابر جمهوری اسلامی به زندان انداخته شده و شکنجه شدند.  
- صدها اعتصاب کارگری و تظاهرات و اعتراضات دانشجویان و زنان و معلمان سرکوب شده است.  
- و ... این لیست طولانی است.  
- محمد خاتمی و رژیم که وی ۸ سال رئیس جمهور آن بوده است کاری جز سرکوب و سازمان دادن ترور و کشتار بر علیه مردم ایران انجام نداده اند. خاتمی و تمامی سران رژیم را باید در دادگاههای بین المللی به جرم ارتکاب جنایت بر علیه بشریت به

سویس، در نشستی که با مشارکت موسسه بین المللی گفت و گوی فرهنگها و تمدنها و مرکز صلح و حقوق بشر برپا شد، شرکت کرد. دنیای عجیبی است. مرتجعینی که دستشان بخون مردم آغشته است دور دنیا راه می افتند و زوزه گفتگوی تمدن ها سر میدهند و همپالگی هایشان در گوشه و کنار جهان بساط روضه خوانی برایشان ترتیب میدهند. اگر عدالتی در کار میبود میبایست خاتمی را بجرم جنایاتی که تحت ۸ سال حکومت او در ایران انجام گرفت دستگیر و محاکمه میکردند.

"مرکز گفتنمان ها" که يك سازمان مذهبی است از خاتمی دعوت کرده است که در هفتمین کنفرانس این سازمان که از تاریخ ۳۰ جون تا ۴ جولای در ملبورن استرالیا برگزار میگردد، شرکت کند. میگویند خاتمی را بخاطر اینکه مبتکر طرح گفتنمان تمدن ها! بوده است به این کنفرانس دعوت کرده اند. هفته قبل نیز بدعوت "فدیکو مایور" مدیر کل سابق یونسکو که در حال حاضر دبیر کلی بنیاد فرهنگ و صلح را برعهده دارد، سفری چهارروزه به اسپانیا داشت و در نشست "ادیان و برپایی صلح" در این کشور، سخنرانی داشت. بدنبال آن، در سفری ۳ روزه به

محاکمه کشید.  
از نظر مردم ایران در اختیار نهادن تریبون برای جنایتکاران حکومت اسلامی و از جمله شخص خاتمی که ۸ سال در راس قوه مجریه جمهوری اسلامی بوده است، محکوم است. دعوت از خاتمی و هر کدام دیگر از سران رژیم اسلامی انزجار و نفرت هر انسان آزادیخواهی را بر می انگیزد. حزب کمونیست کارگری ایران همه مردم آزاده و مخالفین جمهوری اسلامی را فرا می خواند که علیه حضور خاتمی دست به اعتراض بزنند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ آوریل ۲۰۰۸

## من این روز را هیچگاه از خاطر نخواهم برد!

گزارشی کنفرانس دفاع از جهانشمولی حقوق انسانی و مبارزه علیه اسلام سیاسی

دست زده ایم. من آمده ام که در این جمع در مورد علت این کمپین، اهداف سیاسی ما، نقد ما به نسبییت فرهنگی و مالتی کالترالیسم و همچنین در مورد پیشرویهها و دستاوردهای حرکت خودمان با شما حرف بزنم.

مینا احدی در یکساعت سخنرانی جذاب خود که، با سکوت کامل و توجه فراوان جمعیت ۱۶۰ نفره حاضر در سالن مواجه میشود در مورد بیوگرافی خودش، تجارب خود در ایران، در کردستان و در اروپا حرف زده و از جنبش اسلامی و اسلام سیاسی و جنایات آن در جزئیات حرف میزند. او میگوید که دو قطب تروریستی در دنیا یعنی میلیتاریزم دولتی غرب و اسلام سیاسی باهم در کشمکشند در عین حال همدیگر را نیز تکمیل میکنند. استاندارد زندگی و حقوق انسانی را به سقوط کشانده اند و بشر نباید به این اوضاع عادت کند.

او به تزهایی که باعث برخورد پاسیو به سنگسار و جنایات جریانات اسلامی شده است اشاره میکند و از تجارب گسترده و وسیع خود در مبارزه علیه سنگسار و اعدام و از اینکه امروز يك جنبش گسترده علیه این جنایات در جریان است حرف میزند.

مینا میگوید: ترور فقط بمب گذاری و عملیات انتحاری نیست. ترور فقط در سالهای خیر شروع نشده، اسلام سیاسی و جریانات اسلامی بیش از سه دهه است که



### شهنواز از لایزیگ آلمان

عصر روز جمعه ۱۱ آوریل است و ما رهسپار دانشگاه لایزیگ هستیم. قبل از جلسه قرار است دو مصاحبه با رسانه های شهر داشته باشیم. در محل دانشگاه يك زن و مرد جوان سوالات فراوان و جالبی را از مینا احدی در مورد فعالیت هایش میکنند. چرا به اسلام نقد میکنید، مشکل حجاب و مسجد ساختن در آلمان را چگونه بررسی میکنید و بالاخره، چرا در ایران همچنان حکومت اسلامی پا بر جاست و آیا دستیابی جمهوری اسلامی ایران به سلاح هسته ای به نفع مردم ایران است یا نه، کدام جنبش ها در ایران فعال هستند و حزب کمونیست کارگری ایران در ایران چه فعالیت هایی میکند.

جلسه با خوشامدگویی يك دختر جوان دانشجو آغاز میشود. او از بیوگرافی مینا احدی میگوید و اینکه برای دانشجویان دانشگاه لایزیگ جای بسی خوشحالی است که مینا احدی برای ایراد این سخنرانی به اینجا آمده است. سپس مینا پشت میکروفون رفته و سخنرانی خود را آغاز میکند.

او میگوید: ما در آلمان به يك کمپین علنی و گسترده در نقد اسلام سیاسی، در نقد مذهب اسلام و همه مذاهب و در نقد مفاشات دولت آلمان با جنبش ارتجاعی اسلامی

شهنواز از لایزیگ آلمان عصر روز جمعه ۱۱ آوریل است و ما رهسپار دانشگاه لایزیگ هستیم. قبل از جلسه قرار است دو مصاحبه با رسانه های شهر داشته باشیم. در محل دانشگاه يك زن و مرد جوان سوالات فراوان و جالبی را از مینا احدی در مورد فعالیت هایش میکنند. چرا به اسلام نقد میکنید، مشکل حجاب و مسجد ساختن در آلمان را چگونه بررسی میکنید و بالاخره، چرا در ایران همچنان حکومت اسلامی پا بر جاست و آیا دستیابی جمهوری اسلامی ایران به سلاح هسته ای به نفع مردم ایران است یا نه، کدام جنبش ها در ایران فعال هستند و حزب کمونیست کارگری ایران در ایران چه فعالیت هایی میکند. اینها سوالاتی است که پاسخ دادن به آنها یکساعت و نیم وقت ما را میگیرد. چند دقیقه مانده به ساعت ۷ بعد از ظهر و ما رهسپار سالن برگزاری کنفرانس در دانشگاه

جنبش دانشجویی، جنبش زنان و جنبش جوانان در ایران بسیار گسترده است. مردم این حکومت را نمیخواهند و به عنوانی مختلف و تحت بدترین شرایط با این حکومت مبارزه میکنند. ما برای سرنگونی حکومت اسلامی خیز برداشته ایم. در خارج از ایران، ما میخواهیم حکومت آپارتاید جنسی در ایران را همانند حکومت آپارتاید نژادی افریقای جنوبی منزوی و طرد کنیم. این حکومتی است که هر نوع نشست و برخاست با آن، دست دادن با سران آن و پذیرفتن آنها در نشست ها و مراجع بین المللی باید ممنوع و مطرود شود. حکومتی که صدها نفر را تا امروز بدلیل سکس سنگسار کرده و هزاران نفر را اعدام کرده و هم اکنون نیز مشغول اجرای قتل عمد دولتی در هر روز و هر هفته است. حکومت ضد زن و ضد انسان جمهوری اسلامی باید مطرود و منزوی شود.

يك دانشجو در ادامه این سوال میپرسد، چه کسی حکومت را سرنگون میکند؟ و مینا پاسخ میدهد: همه شما میدانید که من عضو حزب کمونیست کارگری ایران هستم. حزب من، حزب کمونیست کارگری ایران این کار را به همراه جنبش های اعتراضی عمیق و اجتماعی در ایران، به همراه مردم ایران، کارگران، زنان و دانشجویان، معلمین و جوانان به پیش خواهد برد. ما این کار را میکنیم و اگر دولتهای غربی و از جمله دولت آلمان، حمایت خود از جمهوری اسلامی ایران را قطع کنند این کار را بسیار سریعتر پیش خواهیم برد. این امر بهتر و

لجام گسیخته ترور میکنند و دنیا به این ترورها چندان اعتراض جدی نکرده است. تحمیل حجاب به زنان، نداشتن حق طلاق و تکفل و اعدام و سنگسار، همگی ترور هستند و اساسا علیه مردم ساکن کشورهای اسلام زده اعمال میشوند. مینا احدی از تلفن یکساعت قبل زندانی جوان محکوم به اعدام، علی مهین ترابی حرف میزند و میگوید نگهداری جوان ۱۸ ساله در سلول مرگ و تهدید به مرگ این جوان ترور و بزرگترین جنایت علیه بشریت است که باید پاسخ درخور بگیرد.

بحثها متنوع و جذاب هستند و همه حاضرین و بیش از ۲۰ نفر ایرانیان حاضر در جلسه با دقت بحثها را تعقیب میکنند. در بخش پرسش و پاسخ تعدادی سوال میکنند و یا اظهار نظر میکنند و یکی از مهمترین بخش مباحثات در مورد جمهوری اسلامی ایران است. دانشجویی می پرسد آینده ایران چه خواهد شد و کدام جنبش ها در ایران فعال هستند، و مینا احدی میگوید: جمهوری اسلامی ایران سر يك مار وحشتناک است به اسم اسلام سیاسی. ایران موقعیت بسیار مهمی در منطقه دارد و مردم ایران و مبارزات آنها نیز تاثیر بسیار زیادی در منطقه و در دنیا خواهد داشت. ما اگر بتوانیم جمهوری اسلامی ایران را سرنگون کنی، سر این مار وحشتناک را نابود کرده ایم و مردم ایران مشغول يك مبارزه جانانه با این حکومت هستند. در ایران جنبش های گسترده اجتماعی در جریان است. همین روزها چندین اعتصاب گسترده کارگری در جریان بوده است.

## جمهوری اسلامی ایران باید منزوی و از مجامع بین المللی طرد گردد پیام کنفرانس دوم تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران به مردم آزاده جهان

طنین خواهد افکند. رفتار جمهوری اسلامی ایران با کارگران، ننگ بشریت است. هر نوع تلاش کارگران برای تشکل و بهبود زندگی با زندان و شکنجه و شلاق پاسخ گرفته است. کارگران جهان از اینرو میباید برای پایان دادن به عمر رژیم اسلامی فعالانه در کنار کارگران ایران قرار بگیرند. دانشجویان و جوانان در ایران مصاف های بزرگی با رژیم داشته اند، حماسه ها آفریدند. باید در کنار آنها قرار گرفت. فعالین ضد جنگ اگر میخواهند سدی در مقابل ژاندارمی آمریکا و متحدین آن باشند، باید جبهه سوم را در مقابل دو قطب تروریستی تقویت کنند. علیه دو قطب ارتجاعی جهان معاصر، کنار مردم ایران قرار گیرند. حزب کمونیست کارگری ایران همه مردم آزادیخواه جهان را به شرکت فعال برای انزواوی جمهوری اسلامی ایران و طرد آن از مجامع بین المللی، فرا میخواند.

تشکیلات خارج کشور  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ آوریل ۲۰۰۸، ۲۸ فروردین ۸۷

نیز، نبرد مردم ایران با ارتجاع اسلامی، شایسته بیشتترین حمایت هاست.

### مردم آزاده جهان!

جمهوری اسلامی ایران حامی تروریسم و یک عامل اصلی نا امنی جهان است. برای امنیت همه ساکنین جهان باید از مبارزات مردم ایران برای پایان دادن به عمر رژیم اسلامی حمایت کنید. سرنگونی رژیم اسلامی ایران ستون فقرات تروریسم اسلامی را خرد خواهد کرد. هر کس خواهان پایان دادن به دخالت مذهب در زندگی است، باید سرنگونی جمهوری اسلامی را امر خود بداند. در جهان ضربه سنگینی خواهد خورد و به حاشیه خواهد رفت. این امر همه سکولارهاست. همه کسانی که برای برابری زن و مرد مبارزه میکنند، در سرنگونی رژیم ضد زن دینفع اند. ایران زندان زنان است. با سرنگونی جمهوری اسلامی، آپارتاید جنسی ضربه مهلکی خواهد خورد و پیام آزادی زنان از اسارت مذهبی در خاورمیانه و در کشورهای اسلام زده

جریان است. از اینرو، حمایت فعال از مبارزات مردم ایران وظیفه ای بین المللی است. مردم جهان در سرنگونی جمهوری اسلامی ایران دینفع اند!

دوره هایی در تاریخ هست که یک کشور محل تلاقی تمام عیار ارتجاع و آزادیخواهی میشود. ایران در شرایط حاضر چنین وضعیتی را دارد. سلطه مذهب و اختناق سیاسی از طرفی این کشور را به زندانی برای اکثریت عظیم مردم بدل کرده است و از طرف دیگر، چالشی عمیق و گسترده از سوی زنان، کارگران، دانشجویان و جوانان برای خلاصی از اختناق سیاسی و مذهبی و برای رفاه و سعادت و یک زندگی بهتر، در جریان است.

علاوه بر این، در کشمکش دو قطب تروریسم بین المللی بسرکردگی آمریکا و تروریسم اسلام سیاسی بسرکردگی جمهوری اسلامی ایران که سایه شوم جنگ دیگری را بر سر جهان گرفته اند، مردم ایران راه سوم را در پیش گرفته اند. با سرنگونی جمهوری اسلامی و رهایی خود سیاست قلدرمنشانه آمریکا را نیز بشکست خواهند کشاند. از اینرو

الهام و حامی سیاسی و مادی جنبش اسلام سیاسی در کشورهای اسلام زده و در سراسر جهان شد. در سایه حمایت های سیاسی دول غربی و با توجهات نسبی فرهنگ، اسلام سیاسی در غرب نیز، رشد کرد. اکنون این جنبش به معضلی برای بشریت در سراسر جهان بدل شده است. این جنبش را باید شکست داد و دست آنرا از زندگی مردم جهان کوتاه کرد.

یک شرط اساسی در هم کوبیده شده جنبش اسلام سیاسی و خلاصی مردم جهان از لطماتی که به بشریت وارد کرده است و مخاطراتی که از سوی این جنبش جهان را تهدید میکند، سرنگونی جمهوری اسلامی ایران توسط مردم است. سرنگونی مقتدرترین نیروی اسلام سیاسی ضربه محکمی به نیروهای این جنبش در سراسر جهان وارد میکند. ستون فقرات آن را در هم میکوبد و آن را بی افق میکند.

مردم ایران در صف مقدم مبارزه با اسلام سیاسی قرار گرفته اند. در ایران، مبارزه ای گسترده برای پایان دادن به حاکمیت اسلام سیاسی در

کنفرانس دوم تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران در ماه جاری (آوریل ۲۰۰۸) برگزار شد. این کنفرانس بر لزوم گسترش فعالیت بین المللی در جهت انزواوی سیاسی، دیپلماتیک و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و طرد آن از مجامع بین المللی، تاکید گذاشت. شرکت فعال مردم آزاده جهان، سازمانهای کارگری زنان، دانشجویان سکولارها و ... در یک تلاش بین المللی در جهت انزوا و طرد رژیم آپارتاید جنسی حاکم در ایران، ضروری است. اسلام سیاسی یک معضل بین المللی است. مبارزه با این جنبش ارتجاعی نیز امری جهانی و مربوط به همه مردم دنیا است. جمهوری اسلامی ایران ستون سیاسی معنوی این جنبش در خاورمیانه و در جهان است. پیش از روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران، این جنبش از قدرت قابل ملاحظه ای نه در ایران و نه در خاورمیانه، برخوردار نبود. با روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران ارتجاع اسلام سیاسی در خاورمیانه بنحو خارق العاده ای رشد کرد. جمهوری اسلامی ایران منبع

## جمهوری اسلامی را طرد و منزوی کنیم!

دعوت میکنیم با شرکت در این تجمع اعتراضی بار دیگر نفرت و انزجار خود را نسبت به جمهوری اسلامی و جنایات آن نشان دهند.

تلفن تماس: 0703638088  
فریبه آرمان

تشکیلات خارج کشور  
حزب کمونیست کارگری ایران-  
واحد مالمو  
فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی  
- مالمو  
کمیته دفاع از حقوق زنان ایران -  
مالمو  
۱۷ آوریل ۲۰۰۸

حقوق مردم در ایران رسوا کنیم.  
جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، قاتل مردم است. به فرستادگانش و سخن گویندگان حق ابراز وجود در خارج کشور نمی دهیم، اینها مشتی جنایتکار و دشمن مردم ایران و بشریت هستند. باید محاکمه، منزوی و طرد شوند.

زمان: 14 ماه مه از  
ساعت ۱۸:۳۰ الی ۲۰:۳۰  
مکان شهر لوند مقابل کافه آتن  
خیابان Sand gatan 2  
از همه گروهها ی سیاسی  
اپوزیسیون و همه انسانهای آزادیخواه

خاطر دفاع از حق شان شلاق زده است و زنان را در کوچه و خیابان بخاطر عدم رعایت حجاب اسلامی مورد اذیت و آزار قرار داده است  
ما در این روز در محل حضور سفیر جمهوری اسلامی دست به تجمع اعتراضی خواهیم زد تا یک بار دیگر جمهوری اسلامی را به خاطر اعدام صدهزار نفر، به جرم زندانی کردن و شکنجه دهها هزارانسان و روزمره سرکوب کارگران و زنان و دانشجویان، بخاطر اعمال آپارتاید جنسی و نقض آشکار ساده ترین

اسلامی توسط "انجمن سیاست خارجی" را محکوم می کنیم. آیا "انجمن سیاست خارجی" به لحاظ سیاسی به خود حق می دهد که برای یکی از سرکردگان سازمانهای فاشیستی در اروپا جلسه ای ترتیب دهد؟ رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم فاشیستی است و نماینده خشونت دولتی افسار گسیخته علیه ساکنین یک کشور است کافی است که اشاره کنیم که این رژیم در ماههای اخیر بارها اعتراضات کارگری را وحشیانه سرکوب کرده است، کارگران را به

روز ۱۴ مه، به دعوت "انجمن سیاست خارجی" سفیر جمهوری اسلامی در سوئد به شهر لوند می آید تا در جلسه ای در مورد "ایران در دنیا و سیاست هسته ای ایران" سخنرانی کند. ما اجازه نمی دهیم نماینده رژیمی که مظهر یک قطب اصلی تروریسم در سطح جهان است و زندگی شمار زیادی از انسانها را با اعدام و شکنجه نابود کرده است، در مجامع عمومی ظاهر شود و خود را به عنوان نماینده مردم ایران معرفی کند. ما دعوت سفیر جمهوری

**یک دنیای بهتر  
برنامه حزب  
را بخوانید  
و در سطح وسیع توزیع  
کنید**

حرفهای ما عکس العمل نشان میدهد. جامعه از رهبران ما استقبال میکند. جامعه احترام و سمپاتی در مقابل زنی که در آلمان بیش از همه جانش در خطر است نشان میدهد. و من این روز را هیچگاه از خاطر نخواهم برد. \*

احدی را بسیار صمیمانه تشویق میکند.  
برمیگردم و به صورت رفقای خودمان نگاه میکنم، فعالین حزب در لایپزیگ، همه با افتخار و با صورتهایی شاد و بشاش به این صحنه نگاه میکنند. جامعه به

دولت آلمان و اتحادیه اروپا از جمهوری اسلامی ایران شوم.  
در پایان این سخنرانی یک نفر با صدای بلند میگوید، براوو، هورا و جمعیت چند دقیقه کف میزند و مینا

از صفحه ۱۱  
آسانتر تحقق می پذیرد اگر همه ما شهروندان آلمان دولت آلمان را تحت فشار گذاشته و قباحه ادامه روابط دیپلماتیک و سیاسی با این حکومت را گوشزد کرده و مانع ادامه حمایت